

( ۲۸ رمضان - ۵ نومبر )

§ تلگرافی از (واشنگتن) رسیده که وزیر ضرورت انقضاء مجلس کانگریس فوق العاده ندیده مگر مظنون است که تاریخ ۲ دسمبر (مسزروز بوات) رئیس جمهوری امریکا مسوده قانون نگاهداری تقدیم مملکت را تقدیم خواهد نمود

§ همارتیکه اعلیٰ هند سکونت داشتند در (ایوریت) امریکا بذریعہ نارنجک ، دهمم ساختہ ، نمود دو محبس بناہ برده ، در آنجا ہم قبول بناهندگی شان را نموده بالاخرہ برآہا حملہ آورده و خارج از شهرشان نمودند § در (بران) اکثر از اعیان و بزرگان قوم متحد شدہ دبروز سرافتہ مدبر یک روزنامہ شروع بوده ، کہ بجرم بہ دشنام بر (پراس پولو) بوده ، و بیک ورپر معزول دیگر ہم جرم خیانت عاید نموده است

§ روزنامہ (نوبوریما) در (پترسبرگ) می نویسد کہ وزیر ادارجات راه آهن بجانب جنوب و کوه قاف و وسط آسیا سفر نموده و بر او ثابت شدہ است کہ بسیاری از خطوط راه آهن بنصرف باغبان میباشد ، بر وزیر مذکور در (عشق آباد) نارنجکی برانده اصابت بدو نموده

### ایضاً

یومیہ جبل المتین با مسک و مشرب پانزده سالہ خود در طهران اشاعت می شود ، هرکس در هندوستان طالب باشد در کلکتہ بادرہ جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه بہ (طهران - خیابان لاله زار - اداره یومیہ جبل المتین رجوع نماید - قیمت سالانہ در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است

( میکادو نامہ )

میکادو نامہ منظومہ است در جنگ روس و ژاپون کہ بوضع شاهنامہ نگاشته شدہ ، و دارای ۸۸ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده هرکس خواستگار باشد بادرہ جبل المتین کلکتہ رجوع نماید قیمت در هندوستان سه روپیہ ، ایران یک تومان اجرت بست بہ ذمہ خریدار است

### اعلان

جلد دوم ابراهیم بیک کہ افراد ملت را بہترین نازیانہ غیرت در حب وطن است با کاغذی بسیار اعلیٰ و طبعی خیلی خوب در سیصد و بست و پنج صفحہ بطبع اولیہ جلد اول کتاب موصوف برایے فروش در ادارہ موجود است ، این کتاب گویا لازم معرفی نداشته باشد همین قدر کافی است کہ بگویم این جلد از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است ، هرکس جلد اول او را ملاحظہ نموده از مذاق مؤلف و سیاق کلام و خیالات عالیہ آن بخوبی واقف است ، کہ در زبان فارسی کتابی با این سبک سیاق نوشته نشده ، قیمت چهار روپیہ ، اجرت بست بر ذمہ خریدار است

### اعلان

تاریخ سرجان ملک مصور کہ نقشہ ایران را ہم داراست بطبع اعلیٰ ، کاغذ و خط خوب ، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود - کریسن لین ، مازگام ، بمبئی - نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی ، و در ادارہ جبل المتین کلکتہ بقیمت دوازده روپیہ بفروش میرسد ، اجرت بست بر ذمہ خریدار است بہر یک از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند ، نقشہ ایران نیز علیحدہ بقیمت دو روپیہ بفروش میرسد

حبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Handul Mutin Office,  
4, Medical College St.,  
CALCUTTA.

وکلا ذمہ دار ابونجات مشترکین اند

( بدل ابونہ اخبار ہشکے گرقنہ میشود )

قیمت اشتراک

سالانہ شش ماہ

ہند و برہمہ

نامہ مقدسہ

۱۲ روپیہ ۷ روپیہ

ایران و افغانستان

۴۰ قرآن - ۲۵ قرآن

عثمانی و مصر

۵ مجیدی ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات - ۶ منات

# حبل المتین

سنہ ۱۳۱۱

کلیۃ امور درہ با

مدیرکل مؤیدالاسلام است

ہر دوشنبہ طبع

و ہفتہ روزہ توزیع میشود

یوم دوشنبہ

۱۱ شوال المکرم ۱۳۲۵ ہجری

مصادف با

۱۸ نومبر ۱۹۰۷ میلادی

در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بخت میشود  
( مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشار ادارہ آزادست )

## قانون اساسی

( بسم اللہ الرحمن الرحیم )

اصولیکہ برای تکمیل قوانین اساسیہ مشروطیت  
دوات عالیہ ایران بقانون اساسی کہ در تاریخ چهارم  
شہر ذی القعدۃ الحرام (۱۳۲۴) بصحہ مرحوم مفہور  
شاہنشاہ سعید مظفرالدین شاہ قاجار نور اللہ مضجیہ  
موشح شدہ اضافہ میشود از قرار ذیل است

### کلیات

اصل اول - مذہب رسمی ایران اسلام و طریقہ  
حقہ جعفریہ اثنی عشریہ است ، باید بادشاہ ایران دارا  
و مروج این مذہب باشد

اصل دوم - مجلس مقدس شورای ملی کہ بہ توجہ  
و نایب حضرت امام عصر عجل اللہ فرجہ و مرحمت  
اعلیٰ حضرت شاہنشاہ اسلام خلد اللہ سلطانہ و مراقبت  
حجج اسلامیہ کثرۃ امثالہم و عامۃ مات ابراف  
تأسیس شدہ است باید در ہیج عصریہ از اعصار  
مواد قانونیہ آن مخالفی با قواعد مقدسہ اسلام و  
قوانین موضوعہ حضرت خیر الانام صلی اللہ علیہ والہ  
وسلم نشاستہ باشد

و معین است کہ تشخیص مخالفت قوانین موضوعہ  
باقواعد اسلامیہ بر عہدہ علمای اعلام ادام اللہ برکات  
وجودہم بودہ و هست ، لہذا رسماً مقرر است در ہر  
عصری از اعمار ہیئت کہ کتر از بیج نفر نباشد از  
مجتہدین و فقہای متدینین کہ مطلع از مقتضیات زمان  
ہم باشند بایطریق کہ علمای اعلام و حجج اسلام  
مرجع تقلید شیعہ اساسی بست نفر از علما کہ دارای  
صفات مذکورہ باشند معرفی بمجلس شورای ملی نمایند ،  
بیج نفر از آنها را یا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس  
شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعہ تعیین نمودہ بست  
عضویت بشناسند ، تا موادیکہ در مجلس عنوان میشود  
بدقت مذاکرہ و غور رسمی نمودہ ہر یک از آن مواد  
معنویہ کہ مخالفت با قواعد مندرجہ اسلام داشتہ باشد  
طرح و رد نمایند کہ عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی  
این ہیئت علما در این باب مطاع و متبع خواهد بود  
و این مادہ تا زمان ظہور حضرت حجت عصر  
عجل اللہ فرجہ تغییر پذیر نخواہد بود

اصل سیم - حدود مملکت ابراف و ایالات و  
ولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب  
قانون

اصل چهارم - پای تخت ایران طهران است

اصل پنجم - الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است  
 اصل ششم - جان و مال اداع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است مگر در موادیکه قوانین مملکتی استثناء میکنند  
 اصل هفتم - اساس مشروطیت جزء وکلا تعطیل بردار نیست

( حقوق ملت ایران )

اصل هشتم - ملی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی منتهی الحقوق خواهند بود  
 اصل نهم - افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و محفوظ از هر نوع تعرض هستند و معروض احدی نمیتوان شد مگر محکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می نماید  
 اصل دهم - غیر از مواقع ارتکاب جناحه و جنایت و سببات عمدیه هیچکس را نمیتوان فوراً دستگیر نمود، مگر محکم آتی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون در آن صورت بزاید کناه مقصر فوراً با آبی در طرف بست و چهار ساعت با علامت و اشهر شود  
 اصل یازدهم - هیچکس را از محکمه که باید درباره و حکم ندهد معترض ازده مجبوراً محکمه دیگر رجوع دهند  
 اصل دوازدهم - حکم و حری هیچ مجرمی مجبوراً مگر بموجب قانون  
 اصل سیزدهم - منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است، در هیچ مسکنی و همرا نمیتوان دخل شد مگر محکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده  
 اصل چهاردهم - هیچکس از ایرانیان را نمی توان بی مد یا منع از قامت در محلی یا مجبور باقامت محل معینی نمود، مگر در موادیکه قانون تصریح میکند  
 اصل پانزدهم - هیچ مالکی را از تصرف صاحب ملک نمیتوان بدون ارد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و نادیه قیمت عادلانه است  
 اصل شانزدهم - ضبط املاک و اموال مردم بعنوان

بجازات و سیاست ممنوع است مگر بمحکم قانون  
 اصل هفدهم - سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان بجز عنوان که باشد ممنوع است مگر بمحکم قانون  
 اصل هیجدهم - تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنکه شرعاً ممنوع باشد  
 اصل نوزدهم - تاسیس مدارس بمخارج دولتی و ملکی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالییه و مرابیت وزارت علوم و معارف باشد  
 اصل بیستم - تمامه مطبوعات غیر از کتب ضلال مواد مضره بدین مبدی آزاد و مجزی در آنها ممنوع است، ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشامده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات تجزات میشود، اگر نویسنده معروف و مدیم ایران باشد ناشر و طابع و مورخ از تعرض مصون هستند  
 اصل بیست و یکم - التعمیرات و اجتهاتیکه موله فتنه دی و در دی و مخد نظام بر باشند در تمام مملکت آزاد است، ولی تسمین با خود اسامحه نباید داشته باشند و ترتیبی را که قانون در ایخصوس مقرر میکنند باید متابعت نمایند، جنایات در شوارع و مید های عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند  
 اصل بیست و دوم - مراسلات پستی کلیه محفوظ و از ضبط و کشف مصون است، مگر در موادیکه قانون استثناء میکند  
 اصل بیست و سوم - اقسا یا توقیف مخارات تاکرانی بدون اجازه صاحب ممنوع است مگر در مواردیکه قانون معین میکند  
 اصل بیست و چهارم - اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایران را نمایند، قبول و نهای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت موجب قانون جدا گانه است  
 اصل بیست و پنجم - تعرض بامورین دیوانی در تفصیرات راجحه بمشاغل آنها محتاج تحصیل اجازه نیست مگر در حق و ذرا که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود

( قوای مملکت )

اصل بیست و ششم - قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین می نماید  
اصل بیست و هفتم - قوای مملکت سه شبه تجزیه میشود :-

اول - قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین ، و این قوه ناشی میشود از اعیانحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و سنا ، و هر يك از این سه منشأ حق انشاء قانون را دارد ، ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصحة هابونی ، لکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است

دویم - قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از قیاس حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عدلیه در عرفیات  
سیم - قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام توسط وزراء و مأمورین دولت بنام نامی اعلیحضرت هابونی اجرا می شود بنزینی که قانون معین می کند

اصل بیست و هشتم - قوای ثلثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود

اصل بیست و نهم - منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک بتصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تسویه میشود

( حقوق اعضای مجلس )

اصل سی ام - وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتیکه آنها را انتخاب نموده اند

اصل سی و یکم - يك نفر نمیتواند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد

اصل سی و دویم - چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف

استغفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود

اصل سی و سیم - هر يك از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند

اصل سی و چهارم - مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملی بی نتیجه است

( حقوق سلطنت ایران )

اصل سی و پنجم - سلطنت و دینه است که ( بهو بیت الهی ) از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده

اصل سی و ششم - سلطنت مشروطه ایران در شخص اعیانحضرت شاهنشاهی الساطان محمد علی شاه قاجار ادام الا سلطنته و اعقاب ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود

اصل سی و هفتم - ولایت عهد در صورت تعدد اولاد به پسر اکر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل و شاهزاده باشد میرسد ، و در صورتیکه برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اکر خاندان سلطنت با رعایت الاقرب فالاقرب برنیة ولایت عهد نائل میشود و هرگاه در صورت معروضه فوق اولاد ذکوری برای پادشاه بوجود آید حتماً ولایت عهد باو خواهد رسید

اصل سی و هشتم - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که سن او بهیچوجه سال بالغ باشد چنانچه باین سن نرسیده باشد با تصویب هیئت مجتمعه مجلس شورای ملی و مجلس سنا نایب السلطنه برای او انتخاب خواهد شد تا بهیچوجه سالگی را بالغ شود

اصل سی و نهم - هیچ پادشاهی بر تحت سلطنت نمی تواند حلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید

« من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام الله مجید و بانچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم ، قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و

برطبق آن قوانین مقررہ سلطنت نایم و در ترویج مذهب  
جمہری انی عشری-می و کوشش نایم و در تمام اعمال و  
افعال خداوند عزتہ را حاضر و ناظر دانستہ منظوری  
حز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران داشته  
باشم و از خداوند مستعان در خدمت بترقی ایران  
توفیق میطالم و از ارواح طیبة اولیای اسلام استمداد  
میکنم .

اصل چہم - همین طور شخصی کہ بہ نیابت سلطنت  
منتخب میشود می تواند متصدی این امر شود مگر  
اینکہ قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد

اصل چہل و یکم - در موقع رحلت پادشاہ  
مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد  
شد و انعقاد مجلسین زیادہ از دہ روز بعد از فوت  
پادشاہ نباید بتعویق یفتد

اصل چہل و دوم - ہرکام دورہ وکالت وکلای  
ہر دو یا یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاہ  
منقصد شدہ باشد و وکلای جدید در موقع رحلت  
پادشاہ هنوز معین شدہ باشند وکلای سابق حاضر و  
مجلسین منعقد میشود

اصل چہل و سیم - شخص پادشاہ میتواند بدون  
تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا  
متصدی امور مملکت دیگری شود

اصل چہل و چہارم - شخص پادشاہ از  
مسئولیت مبری است وزراء دولت در ہرگونہ امور  
مسئول مجلسین ہستند

اصل چہل و پنجم - کاتبہ قوانین و دستخطہای  
پادشاہ در امور مملکتی وقتی اجرا میشود کہ  
بامضای وزیر مسئول رسیدہ باشد و مسئول صحت  
مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است

اصل چہل و ششم - عزل و نصب وزراء  
بموجب فرمان ہماون پادشاہ است  
اصل چہل و ہفتم - اعطای درجات نظامی و  
شان و امتیارات افتخاری با مراعات قانون مختص  
شخص پادشاہ است

اصل چہل و ہشتم - انتخاب مأمورین رتبہ  
دوایر دولتی از داخلہ و خارجہ یا تصویب وزیر  
مسئول از حقوق پادشاہ است مگر در مواقعی کہ قانون

استثنا نموده باشد ، ولی تعیین سایر مأمورین راجع  
بپادشاہ نیست مگر در مواردیکہ قانون تصریح میکند  
اصل چہل و نہم - صدور رایین و احکام  
برای اجرای قوانین از حقوق پادشاہ است بدون  
اینکہ ہرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید  
اصل پنجم - فرمانفرمانی کل قشون بری و بحری  
با شخص پادشاہ است

اصل پنجم و یکم - اعلان جنگ و عقد صلح با  
پادشاہ است

اصل پنجم و دوم - عہد نامہ ہائیکہ مطابق با  
اصل ۲۴ قانون اساسی مورخہ چہاردم ذی القعدہ  
۱۳۲۴ استتار آنها لازم باشد بعد از رفع مخطور  
ہمینکہ منافع و امنیت مملکتی اقتضا نمود با توضیحات  
لازمہ باید از طرف پادشاہ بمجلس شورای ملی و  
سنا اظهار شود

اصل پنجم و سیم - فصول مخفیہ ہیچ عہد نامہ  
مبطل فصول آشکار آن عہدنامہ نخواہد بود

اصل پنجم و چہارم - پادشاہ میتواند مجلس  
شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق العادہ امر  
بانعقاد فرمایند

اصل پنجم و پنجم - ضرب سکہ با موافقت قانون  
بنام پادشاہ است

اصل پنجم و ششم - مخارج و مصارف دستگاه  
سلطنتی باید قانوناً معین باشد

اصل پنجم و ہفتم - اختیارات و اقتدارات سلطنتی  
فقط ہمان است کہ در قوانین مشروطیت حاضرہ  
تصریح شدہ

### راجع بوزراء

اصل پنجم و ہشتم - ہرچکس میتواند بمقام وزارت  
برسد مگر آنکہ مسلمان و ایرانی الاصل و تبعہ ایران باشد  
اصل پنجم و نہم - شاہزادگان طبقہ اولی یعنی پسر  
و برادر وعموی پادشاہ عصر میتواند بوزارت منتخب  
شوند

اصل نہتم - وزراء مسئول مجلسین ہستند و  
در ہر موارد کہ از طرف یکی از مجلسین احضار شوند  
باید حاضر گردند و سبب باہوریکہ محول بآنها است و  
حدود مسئولیت خودرا منظور دارند

( اقتدارات محاکمات )

اصل هفتاد و یکم - دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع است در تطبات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول شهادتین جامع الشرایط است  
اصل هفتاد و دویم - منازعات راجحه حقوق سیاسیه مربوط بمحاکم عدلیه است مگر در مواقعه که قانون - ثنا نماید

اصل هفتاد و سیم - تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است و کسی نمیتواند بی بیع اسم و رسم محکمه برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید

اصل هفتاد و چهارم - هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر بحکم قانون

اصل هفتاد و پنجم - در تمام محاکم فقط یک دیوانخانه تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود و آنهم در شهر پای تخت و این دیوانخانه تمیز در هیچ محاکمه ابتداء رسیدگی نمیکند مگر در محاکمه که راجع بوزرا باشد  
اصل هفتاد و ششم - انعقاد کلیه محاکمات عالی است مگر آنکه عالی بودن آن محل نظایر یا منافی عصمت باشد، در این صورت لزوم اخفا را محکمه اعلام می نماید

اصل هفتاد و هفتم - در ماده تصصیرات سیاسیه و مطبوعات جناسیجه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید با اتفاق جمیع اعضاء محکمه بشود

اصل هفتاد و هشتم - احکام صادره از محاکم باید مدلل و موحد و محتوی فصول قانونیه که بر طبق آنها حکم صادر شده است بوده و علماً قرائت شود  
اصل هفتاد و نهم - در مواد تصصیرات سیاسیه و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود

اصل هشتادم - رؤسا و اعضای محاکم عدلیه بر تئیی که قانون عدلیه معین میکند منتخب و بموجب فرمان همیوی منصوب میشوند

اصل هشتاد و یکم - هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمی توان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و نبوت تصصیر تغییر داد، مگر اینکه خودش استعفا نماید  
اصل هشتاد و دویم - تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه نمیشود مگر برضای خود او

اصل هشتاد و سیم - تعیین شخص مدعی هموم با

اصل شصت و یکم - وزراء علاوه بر اینکه بنهائی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند بهیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند

اصل شصت و دویم - عده وزراء را بر حسب اقتضا قانون معین خواهد کرد

اصل شصت و سیم - لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است

اصل شصت و چهارم - وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان نمایند

اصل شصت و پنجم - مجلس شورای ملی یا سنا می توانند وزراء را در تحت مؤاخذنه و محاکمه در آورند

اصل شصت و ششم - مسئولیت وزراء و سیاسیه را که راجع بآنها میشود قانون معین خواهد نمود

اصل شصت و هفتم - در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با کثرت نامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار به نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود

اصل شصت و هشتم - وزراء موظف نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خود شان در عهده گیرند  
اصل شصت و نهم - مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تصصیر وزراء را در محضر دیوانخانه تمیز عنوان خواهند نمود، و دیوانخانه مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دایره خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتیکه بموجب قانون اتهام و اقامه دعوی از دایره ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیر خارج و راجع بخود وزیر باشد

( تنبیه )

مادامیکه محکمه تمیز تشکیل نیافته است هئتی منتخب از اعضاء مجلسین بعهده متساوی آئین مناب محکمه تمیز خواهد شد

اصل هشتادم - تعیین تصصیر و مجازات وارده بر وزراء در موقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور اداره خود دو چار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود

تصویب حاکم شرع در عهده پادشاه است

اصل هشاد و چهارم - مقررى اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد

اصل هشاد و پنجم - رؤسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظفۀ دولتی را بجا بیاورند مگر اینکه آن خدمت را بجایا بر عهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد

اصل هشاد و ششم - در هر کرسی ایالتی یک محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد تربیتی که در قوانین عدلیه مصرح است

اصل هشاد و هفتم - محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام ممالک تاسیس خواهد شد

اصل هشاد و هشتم - حکمیت، نازعه در حدود درات و مشغول دولتی بموجب ممررات قانون بمحکمه نمیز راجع است

اصل هشاد و نهم - دیوان خانۀ عدلیه و محکمهها وفق احکام و نظامهای عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدن را بگری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشد

( در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی )

اصل نودم - در تمام ممالک محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود و قوانین اساسیۀ آن انجمنها از این قرار است

اصل نود و یکم - همه محسهای ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب میشود مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی

اصل نود و دوم - انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت نامه در اصلاحات راجعۀ بمنافع عامه دارند تا رعایت حدود قوانین مدنی

اصل نود و سیم - صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود

( در خصوص مالیه )

اصل نود و چهارم - هیج قسم مالیات برقرار نمیشود مگر به حکم قانون

اصل نود و پنجم - مواردی که از دادن مالیات

معاف تواند شد قانون مشخص خواهد نمود

اصل نود و ششم - میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با اکثریت تصویب و معین خواهد نمود

اصل نود و هفتم - در مواد مالیاتی هیج تفاوت و امتیازی فهاین افراد مات گذارده نخواهد شد اصل نود و هشتم - تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است

اصل نود و نهم - غیر از مواقعی که قانون صراحتاً مستثنی میدارد هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات محکمی و ایالتی و ولایتی و بلدی اصل صدم - هیج مرسوم و انعامی بخرینه دولت حواله نمیشود مگر بموجب قانون

اصل صد و یکم - اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتی که بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود

اصل صد و دوم - دیوان محاسبات مأمور به معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریق حساب کلایه محسین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچ یک از فقرات محتاج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز نکرده تغییر و تبدیل بپذیرد و هر وجهی در محل خورد مصرف برسد، و همچنین معاینه و تفکیک محاسبۀ محتلفه کلایه ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد، و صورت کلایه محاسبات محکمی را باید باضام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید

اصل صد و سیم - ترتیب و تنظیم اداره این دیوان بموجب قانون است

( قشون )

اصل صد و چهارم - ترتیب گرفتن قشون را قانون معین مینماید، تکالیف و حقوق اهل نظام و زرقی در مناصب بموجب قانون است

اصل صد و پنجم - مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود

اصل صد و ششم - هیج قشون نظامی خارجه بخدمت دولت قبول نمیشود و در نقطه از نقاط ممالک

نمی‌تواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون  
اصل صد و هفتم - حقوق و مناصب و شئون  
اهل نظام سلب نمی‌شود مگر بموجب قانون

(سواد دستخط مبارک همایونی)

(بسمه تبارک و تعالی)

متمم نظامنامه اساسی ملاحظه شد نیامای صحیح است  
و شخص همیون ما انشاءالله حافظ و ناظر کلیه آن  
خواهیم بود، اعتاب و اولاد ما هم انشاءالله مقوی این  
اصول و اساس مندرج خواهند بود

۲۹ شعبان قوی یل ۱۳۲۵

(در قصر سلطانی طهران)

سپاه آلمان

قابل تقلید ایرانی

(قانون مستملکات)

چون دولت آلمان بعد از پیش گرفتن بوتیک

توسیع مستملکات برای حفظ نفوذ در آمواع لشکری  
مبنی نموده نمیتوان این مطلب را مسکوت عنه گذاشت  
اکنون دولت مشارالها سه باطالیان پیاده نظام بحری  
در مواقع مختلف اقامه کرده و علاوه بر این عساکر  
مختص مستملکات تدریجاً تشکیل داده که در چهار مرکز  
ذیل مقیم میباشند:

مستملک آفریقای شرقی.

مستملک آفریقای جنوب غربی.

مستملک قران و توقو.

مستملک کباتو جیو.

این سربازان بموجب اختیار خویش و شرایط  
مخصوص اخذ میشوند.

جیره و مواجب صاحبمنصبان

جیره و مواجب و مدد معاش برای مصارف منزل

و اسب و غیره صاحبمنصبان که در هر ماه پیشگی

داده میشود بقرار جدول ذیل است.

ملاحظات	مجموع جیره و مواجب و مدد معاش		درجات
	سالانه	سالیانه	
موتلش را <td>توما <td>تومان <td>رئیس اردو</td> </td></td>	توما <td>تومان <td>رئیس اردو</td> </td>	تومان <td>رئیس اردو</td>	رئیس اردو
دولت داد ولی	۸۰۰۰		امیر تومان
مواجب دفتر	۵۱۰	۱۱۱۷	سرتیب
دش که پانصد	۲۴۸۰	۲۹۱۷	رئیس فوج (نمای صنوف عسکری - سواهی سواره)
ومالت است	۲۸۱۰	۲۴۰۰	رئیس فوج سواره
خودش بیست و	۲۸۲۲	۲۴۰۰	صاحبمنصب بزرگ که رئیس فوج نیست (سواره و توپخانه سوار)
	۲۰۰۰	۱۵۷۰	صاحبمنصب بزرگ که رئیس فوج نیست (صنوف دیگر)
	۲۱۱۶	۱۷۸۰	سلطان از درجه اول (سواره و توپخانه سوار)
	۱۰۶۳	۱۳۸۳	سلطان از درجه اول (سوار صنوف)
	۱۵۱۷	۱۳۴۸	سلطان از درجه دوم (سواره و توپخانه سوار)
	۱۳۷۸	۹۱۱	سلطان از درجه دریم (صنوف دیگر)
	۱۳۱۷	۹۴۸	نایب اول (سواره و توپخانه سوار)
	۶۹۶	۵۶۲	نایب اول (توپخانه)
	۶۸۹	۵۶۰	نایب اول
	۶۱۵	۵۰۱	نایب دوم سوار
	۵۶۴	۳۶۱	نایب دوم
	۵۰۱	۳۵۱	



قرض و اعانه صاحبان

تمامی صاحبان و طبایع نظام تا عمریه ساطانی میتوانند برای بعضی مخارج غیر مترقبه که اضطراری است اسفراض و یا استعانه از وزارت جنگ کنند هر يك از آنها را میباید مناسبت با مقدار مواجیشان از صندوق مخصوص اعانات داده میشود و اگر چیزی بطریق سایر مشایخ بدون خود را با افساط مفرره در هر ماه از مواجیشان کارساری میباید.

تعداد صاحبان

هر صاحبان تا طایب نظامی پس زده سال خدمت چون تر عدم استعداد از ظاهر شود حق گرفتن يك مستمری در تنیه عمرش دارد.

صاحب منصب و اطباءیکه بتصت سالگی داخل میشوند بدون ملاحظه قابلیت یا عدم استعداد بخدمت مستمری تعداد در حق آنها برقرار میشود. صاحب منصب ناشصت سالی باخیار خود اگر استعانه نکند در خدمت خود ادامه میشود بخلاف این هر صاحب منصب که قبل از رسیدن بمرحله رتبه‌گانی بسبب ضعف و ناتوانی برک خدمت کند استحقاق ناخذ مستمری تعداد مترتب نشود. الا در سال خدمت کرده باشد معین تعداد متناسب برده و موجب در اول هر ماه پیشین پرداخت میشود.

مراعات صاحبان جزو و سران

در پیاده خدمت در هر سال ماهانه

توپان - فران	
ولیل باشی	۱۴
تاب وایل دشی	۱۰
فاهریک	۵
وکیل	۸
سر حقوقه	۵
سرباز داو صاب	۴
سرباز درجه اول	۲
سرباز	۱

اطعام صاحبان جزو و سران

طعم صاحبان جزو، صبح عبارت از قهوه با شیر و در وقت ظهر هارشان مرکب از گوشت بریان و سبزیات و در شام طعمی و سبب زمینی میباشد.

صاحبان جزو یک شمشیر صاحبان می بندند و مسبوق الحدمه اند منازل علیحده داشته و آنکه جدیدند در خوابگاه سربازان جای مخصوص دارند، هر دسته را محلی معین بوده و اطاق طعام نیز علیحده است. هر يك از سربازان يك تخت آهنی از جنس خواب و دولانی هم برای گذشتن اسباب و مأكولات و البسه دارند، غذای سربازان، صبح شورا، قهوه، در وقت ظهر گوشت گاو و سبزیات و شب غالباً اطعمه سرد است نان که از دولت داده میشود برای هر يك نفری يك چارک تبریز میباشد مخارج مأكولات و شروبات دیگر از قبیل قهوه و سبزی و گوشت و روغن از مواجب و مدد معاش عساکر تفریق شده و طعام در هر باطلیان جداگانه ترتیب گردیده در میان افراد توزیع میشود. در روز ولادت امپراطور و در ایامیکه مصادف با مشق های بزرگ نظامی در خارج اقامتگاه افواج است منهداری بر اطعمه معتاده افزوده میگردد و در ترتیب اطعمه و البسه عساکر و مفرشات سربازخانه پیش از همه چیز بنظافت و پاکیزگی اعتنا میکنند.

تعداد صاحبان جزو و سران

صاحبان جزو و سران که رهنمی در انشای خدمت بر دارند یا مبتلا مرضی شوند بموجب ماقص لاعصه باشد یا آنکه پس از هشت سال خدمت بسبب عاقلی یا مسعود بر باری گردند و یا پس از دوازده سال خدمت یا بنلای یکی از آفات فوق آنها نتوانند متحمل مشاغل خدمت در سربازخانه باشند در اینصورت حق گرفتن مستمری تعداد را دارند مستمری تعداد عبارت از پنج بوع است که مقدار ماهیانه از سه تا بیست تومان برای وکیلباشی، و يك تا دوازده تومان برای سرباز میباشد، و چندین مؤسسات خیریه برای عاجزین قشون ساخته شده است.

نظایر و مجازات نظامی

صاحبان جزو حتی با بیان حق تنبیه سرباز را ندارند. مجازات فقط ارحاب سلطان (هوتمان) و سایر صاحبان بزرگ بقدر گناه داده میشود، در صورتیکه تقصیرهای بزرگ و گناهات کبیر از قبیل عصیان برؤسا و خیانت بوطن و انشای اسرار

نظام وغيره از سپاهيان سرزند محاکمه و ترتيب جزا بيهوده ديوان حرب که مشکل از ارکان بزرگ لشکريست محول ميگردد و هر حکميکه از جانب اين محکمته کبرای عسکری داده شود بهر چه وجه تغيير بر دار نيست .

### وضع اداره افواج

محاسبه و امور اداره افواج در پياده نظام در زير نظارت رؤسای باطلبيان ها در سواره در تحت مراقبت رؤسای اسکادرون ها و در توپخانه در زير مواظبت و تفتيش رؤسای گروه توپچيان ميباشد ( دو يسه باطري را يك گروه مبنامند ) و ترتيب اوراق و تنظيم دفاتر منطبق بمحاسبات سپرده بيهوده تحویلداران است بکنفر از آنها بهر باطلبيان پياده و بهر فوج سواره تعيين گرديده و مرتبه صاحبمستي را دارند و هر تحویلدار را معاونی است که در غياب او امور محوله را انجام ميدهد در هر دسته و تکميل باشی موظف به تحرير اوراق و دفاتريست که منطبق بتبديلات و مواجب و جيره سربازان ميباشد آذوقه جي مأمور بنازل و توزيع نخبصات عساکر است صاحب منصب جزويکه مأمور اسباب تير اندازيست محاسبه اسلحه و مهمات و لوازمات ديگر تير انداز را در عهده دارد در هر باطلبيان صندوقی برای حفظ وجوهائیکه از بابت مواجب صاحب منصبان و سربازان از لشکر نويان دريافت ميشود با اداره تحویلدار سپرده شده که در غرضه همراه بعنوان پيشکی مواجبمنصبان و در غرضه و باتزدهم و بيست يکم هر ماه جيره سربازان از آن برداخت ميگردد از اين مبالغ هر چه نخبصات صاحب منصبان است تماماً کارسازي شده قسمتی از مال سرباز در تهیه و اصلاح اغذيه و ماکولات مصرف ميشود .

### عزیز البسه

در هر اردو يك انبار موجود است که در هنگام صلح مواد لازمه برای درست کردن البسه از قبيل ماهوت وغيره در آنجا نگاه داشته شده بافواج توزيع ميشود .

از اين انبارها در وقت جنگ ملزومات اوليه بمواقع محشبه قشون فرستاده شده و لوازم پوشاک بعضی از فرقه های ( لاندور ) و لادسترن را که انبار

مخصوص ندارند نیز فراهم ميگردد . در وقت صلح هر فوج تمامی اسباب ملزومه تجهيز سربازان حاضر و احتياط را بايد داشته باشد و اسباب مذکور را خواه بواسطه انبار اردو و خواه بواسطه ديگر تدارک نمايد و برای اين در هر فوج پياده شانزده و در سواره دوازده و در توپخانه بيست و يك عمه کار ميکنند .

وجوهائیکه صرف البسه ميشود بواسطه نخبصاتی که از طرف دولت هر سه ماهي يکمتر به پيشکی داده ميشود فراهم ميبايد .

هبت مخصوص در هر فوج مرکب از يك صاحب منصب بزرگ و يك سلطان و دو نایب و يك تحویلدار تشكيل یافته موظف باخذ وجوهات و تدارک ملبوسات است . بهر سرباز از پنج تا شش دست لباس مخصوص است که در اوقات خدمت و سان و جنگ بپوشد هر دسته و اسکادرون و باطري انباری کوچک بجهت حفظ البسه دارد .

لباسها بايد همیشه پاکيزه عاری از کثافت و موافق با شرافت عسکری باشد

در وقت تجهيز افراد صنف احتياط را از انبار های مخصوص دسته ها لباس داده ميشود .

سربازان صنف لاندور را در زمان حرب از ملبوسائیکه احتياطاً در انبارهای جداگانه نگاه داشته شده ملبس مينمايند .

برای صنف لادسترن پوشاک مخصوص تهیه نگرديده لباس اينان با آنچه از انبارها باقي ميبايد ترتيب ميگردد .

### وضع اداره سرباز خانه

اداره رختخواب و چراغ و نجاری و جامه شویی سربازان محول بهبت مخصوص بوده و برای محارح اينها نخبصاتی چند معين گرديده است .

تمامی سرباز خانه ها و اماکن نظامی باهتام عساکر مهندس بنا ميگردد

### استيفاء لشکری

لشکر نويان موظف بتدقيق دفاتر و اوراق محاسبات و تفتيش مقبوضات تحویلدارانند تفحص اداره سپاه و احوال اماکن نظامی و مشتملات آنها باقو مبادات است .

قهوه	هر سرتیب با تفاتی يك لشکر ویس هر دو سال
شکر	بمرتبه وضع اداره افواج ابوالجلی خود را تقبش میکند .
اسلحه و مهمات وغیره	اسام اغذیه عساکر در وقت جنگ
بیاده نظام آلمان از ۱۸۸۸ باینطرف مسلح با تفنگ (مانند بحر) سریع تیر که اندازه دهنه اش ۸ میلیمتر است میباشد و يك نیزه کوچک که در يك غلاف چرمی گذاشته شده بطرف چپ بسته گردیده در حين لزوم سر تفنگ نصب میشود .	افسام اغذیه عساکر در هنگام جنگ بر منوال آنی است .
عدد فشنگ - در زمان جنگ	مان خشک
در پیش هر سرباز . . . . . ۱۲۰ عدد	مان خشکیکه با خمج میسازند
در اراجه هر دسته (برای هر نفری) . . . ۷۰	کویت تازه یا خاک زده
در قافله مهمات هر اردو (برای هر نفری) . . ۱۰۰	قاورمه
	رغج
	سبب زمین
مجموع . . . . . ۲۹۰	خاک

ادوات لارمه

در هر دسته	۱۰۰۰ بیل قابل النقل
	۱۰ کلنگ
	۵ تیر
جمعاً ۱۵۳۶ آلت برای يك فوج که سه باطالیان دارد	

در هر باطالیان ۱۵۲ ادوات مختلف محمول بر اراجه

( اراجه هایکه در جنگ همراه یکفوج میرود )

مجموع هر فوج

۱۲	يك هر دسته	ارابه مخصوص نقل فشنگ .
۱۰	يك هر دسته و يك برای ارکان هر باطالیان	اراق
۱۶	يك هر دسته و يك بارکان هر باطالیان و يك برای ارکان هر فوج	بار
۳	يك هر باطالیان	ارابه دوا و آلات طبیه
۴۶	مجموع عدد اراجه هایکه دواسبه اند	

۸ بیل ۴ تیر کوچک و ۸ تیر بزرگ موجود است .  
( اراجه های یکفوج سواره )

- اراجه بار . . . ( برای ارکان فوج و اسکادرونها )
- ادویه طبیه . . . . .
- اوزاق . . . . .
- اراجه مخصوص بلساری و مواد تخریبیه . . . . .

مجموع ۱۲

علاوه هر باطالیان شش پیسمنت دارد .  
سواره - تمام سواره نظام مسلح به نیزه و شمشیر و تفنگ کارا بین میباشد و شاسور های سوار تنها شمشیر و شش لوله دارد .

عدد فشنگ - هر سواره ۵۰ فشنگ برای تفنگ کارا بین و ۱۸ فشنگ شش لوله دارد .

ادوات - ۴۸ تیر کوچک و ۳۲ بیل در هر فوج سواره بروی اسبها بار میشود در اراجه هر اسکادرون

( توپهای صحرا )

توپهای جدیدیکه بیست و یک باطری هر اردوی آلمان با آن مجهز است اندازه دهنه شان ۷۷ میلیمتر و توپهای او نیزه که سه باطری در هر اردو با آن مسلح است اندازه دهنه شان ۱۰۰ میلیمتر میباشد توپچیان مسلح با شمشیر و نیزه کوچک و شش گوله هستند .

توپهاییکه توپخانه پیاده برای تشکیل باطری های سنگین آلات باید در زمان حرب حاضر نماید مرکب از توپهای اوزبیه که اندازه دهنه آن ۱۵ سانتیمتر و از خنبارهاییکه اندازه دهنه شان ۲۱ سانتیمتر و توپهای جسم دیگر میباشد .

( مهمات توپخانه )

هر باطری شش صندوق که در آن ۷۸۰ گوله موجود و سه از آن در صف جنگ و سه دیگری در صف احتیاط گذاشته میشود .

قافله های خفیف مهمات در زیر حکم رئیس فرقه ها بوده دارای ۲۴ ارابه است و ۱۸۴۸ گوله برای هر فوج حمل مینماید .

تدارکات متعاقبه يك اردو برای تهیه مهمات توپخانه بواسطه هشت قافله که هر يك ۲۹ ارابه داشت و ۲۵۳۸ گوله حمل مینماید بوده و بجهت پیاده نظام نیز قافله که هر کدام دارای ۲۶ ارابه است میباشد برای باطریهای اوزبیه در صف محاربه ۵۱۸ و در قافله های خفیف ۱۲۱۸ و در مناقلات متعاقبه ۱۲۷۰ گوله نقل میگردد .

از عراق عرب

یکی از اعضای محترم شورای ملی

دیگر از همایضیکه بحضور عالی میخواهم معروض دارم و عموم ایرانیان عراق عرب اعم از حجج اسلام و طلاب علم و نجار و کسبه باین همایض حقیر قلباً شرکت دارند ، اینست که چون وکلای محترم نماینده جهل کرور ایرانیان داخله و خارجه میباشد ، و بعد از آنکه بقوت قلم و مقاله با مستبدین و فدای جانهای عزیز حق منصوبه حوشرها از مستبدین استرداد نموده و شاه مرحوم هم در این اسر مشروع با ملت کمال همراهی و مهربانی را فرمود ، در بدو تشکیل مجلس وکلای

ملت در کمال جرئت و حرارت باصلاحات امور مملکتی سعی داشتند ، بجدی سرعت و موفقیت امور اصلاحات پیش میرفت که اهل بصیرت را عقیده بر این بود که دو سال نخواهد گذشت که تمام دوائر دولتی و ملتی در تحت انتظام حقیقی داخل خواهد شد ، ولی بدبختانه این حرکت تعالی و صعود از ماه ربیع الاول رونما نموناط نهاد ، نخبه دام چه ملائی از جانب شمال وارد ایران شد که بمجرد ورود اثرات سمیه خود را در تریب ملت و اصلاح خواهان حتی وکلای دارالشور او انجمن های بلاد اثر بخشید ، و به همان درجه هم خیالات عمومی را از عشق آزادی و عدالت مأیوس نمود

وکلای ملت نماینده عموم ملت ایرانند در مذبح این مأموریت بزرگ و اصلاح حال امت نیاید از هیچ گونه اوانع اندیشه داشته باشند ، بر آنچه صلاح ملت است رأی بدهند ، و بر آنچه صلاح ملت نیست مخالفت نمایند ، بی محابا عرض مینمایم ، تمامی ملت ایران در حیرتند که وکلای ملت بجهت چه و به کدام صلاح دید قبول وزارت امین الساطان را نمودند ، آیا در این سی سال صدارت او تجربه کافی حاصل شده بود ؟ آیا این همان شخصی نیست که تمام مصائب را بر سر دولت و ملت ایران آورده ؟ آیا تمام بدع خبیثه و مظالم فوق العاده و رواج بازار رشوه در زمان قاعل مختاری او شده ؟ اگر وکلا از عدم قبول او بوزارت از شاه ترس داشتند ، خوب بود در این مسئله رأی خودشان را مخفی مینداشتند ، و این مسئله را بسمه قبول ملت میگذاشتند ، بیاداش کدام خدمات او در يك مجلس بافتاد و همت رأی او را قبول کردند؟ مگر نه در سلطنت های مشروطه مسائلی که بزرگ و طایه حیرت وکلا است در پارلمنت روی میدهد ؟ اعضای پارلمنت آر امر را بجهت اهمیتش از وظیفه خود خارج دانسته بمجالس بلاد و رأی عموم ملت واگذار میکنند ، اگر مسئله قبول امین الساطان بسمه مجالس علی و ملت واگذار میشد البته عموماً او را قبول نمیکردند ، و این مصائب وارده در این چند طاعه هم بر سر ملت وارد نمیشد ، و تا حال به قانون اساسی معوق مانده بود ، به اغتشاش در ولایات برپا شده بود ، نه شیخ نوری و اتباعش مخالفت مینمودند ، نه شاهنشاه

بی‌میل میشد. و نه ملت تا درجه از عشق آزادی  
 مایوس و افسرده میگردد، البته ملت ایران  
 میدانستند که از منشاء حیانت امید امانت و از  
 مصدر شقاوت امید مرحمت و از مجسمه بی‌انصافی  
 امید صروت و از آتش سوزان توقع برودت نمیتوان  
 داشت. باری خطائی بود رفت. حال بعد از چهار ماه  
 که بی‌نجیبات سابقه و لاحقاً او برده و عزاش را  
 بخواید چه سدمه‌ها باید بکشید و چه قدرها تعطیل  
 کنید. تا این گاویکه بدست خود به پشت بام برده اید  
 فرود آرید. کاش وکلای ملت که چهار ماه است  
 خیالات خود را صرف مراقبت باصلاح افعال او نمودند  
 بکارهای اساسی میرسیدند؟ کاش و خود دانشمندان  
 حکیم مثل سعدالدوله و غیره را در مجلس مقیم  
 میدانستند. و مجلس محترم شورای ایران را از آن هیئت  
 و عظمت نمی‌انداختند! مبرائی که باید در دست داشته  
 باشیم ایست. که ملاحظه فرمائید که تمام روزنامجات  
 خارجه و داخله تا چهار ماه پیش در حق مجلس محترم  
 چه امیدها داشتند. و با چه نظر بزرگ بدان مرکز  
 امید ایرانیان میگریستند. و حال تا چه نظر ملاحظه  
 میبایند. عجب در این است که بسیاری از مسائل بر  
 وکلای ملت مشتبه شده است. حقیر در شش ماه قبل  
 چهار عریضه به مجلس محترم عرض نمودم. که در  
 این تغییر وضع حکومت اهم امور دو امر است بجهت  
 جلوگیری از هرج و مرج. که در این تغییرات ملحوظ  
 است برپا شود که باصلاح آف دو امور ملت در  
 کمال آرامی پیشرفت خواهد کرد. و آن دو امر مهم  
 یکی تأسیس ادارات عدلیه. و دیگری اصلاح امور طالبه  
 است ولو سرسری و موقتی اصلاح سطحی بشود تا اینکه  
 کلیه قوانین صحیحه وضع و امضا شود و بکلیت بموقع  
 اجرا در آید.

یک مسئله دیگر هم که حکم اصل اصول را دارد  
 نسبت تمام امور و قوانین و اصلاحات بسیار اهم بود.  
 و مداخله مجلس شورا در آف امر جداً لازم  
 می‌نمود. مداخله در انتخاب وزرای هشت گانه است.  
 هر چند که در اول مسئله قدری مشکلات پیش می‌آمد  
 ولی تا انتخاب ثانوی وزراء دیگر هر روزی اختلاف  
 بین وزراء و مجلس پیش نمی‌آمد. چنانکه یکی از آن

وزراء که بحسب ظاهر جلب محنویت ملت را نموده  
 آقای وزیر علوم است. در این مورد وکلا بسیار  
 اعتراضات بدین عریض می‌توانند نمایند. ولی بسیار  
 جوابهای شافی هم هست که بشنوند  
 در آخر این عریضه استدعای ملت را بسمع مبارک  
 عالی می‌رسانم و آف اینست. که در بعضی موارد که  
 جواب معسر بر قبولاندن مجلس شورا است در بعضی  
 امور که مصلحت ملت نیست. باید مجلس شورا  
 در آن مسئله رأی نداده و بصدقه قبول ملت  
 بپردازند. نه اینکه در یک مجلس خائنی را که شرارت  
 قسادش ایرانی را آتش میزند بوزارت قبول و امتیاز  
 بانک آلمان را در مجلس سری امضاء نمایند. در  
 سورنیکه مصلحت ملت اینست که نه مؤسسه خارجه  
 در ایران برپا شود و نه خان و فروشنده ایران وزیر  
 گردد. چون از راه نوع برستی و کمال دلسوزی وطن  
 بدین درجه جسارت ورزیدیم. در حقیقت بیان حال  
 ملت را بسمع مبارک رسانیدم. اگر مصلحت بدانید  
 این عریض را در محفل که چند نفر از وکلا ملت هم  
 حضور داشته باشند بخوانید ضرری ندارد. که بدانند  
 در گوشه بنده هم دلسوخته هست که حال بر ملال  
 ملت را بحضور عالی شکایت نموده. بعد از همه اینها از  
 خداوند مسئلت می‌نمایم که با تأییدات غیبیه اصلاح امور  
 مسلمانان را بنماید. و وکلای محترم را بر بصیرتشان بیفزاید

لا یحیه یکی از دانایان

یقین دارم که گمان نخواهید فرمود در خاک پاک  
 وطن آن جناب که آب و خاکش مهربی هوش و فرهنگ  
 است در زاویه‌های آن اشخاص غیور ملت و دولت  
 خواه متدین و طرف بمنافع و مضار حال و استقبال  
 وطن عزیز نبوده باشد و یا هم نرسد. بحمدالله تعالی  
 آنچه را بطلبید و آنچه را بجزید از آن خیر  
 با یک دنیا حسن عقیده بیسارند. منتهی این است.  
 خریداری نیست. امروزه بازار آنان کاسه است.  
 زیرا اهل طمع و رشوه و دخل نیستند. قطع طریق  
 نمی‌کنند. خون زن و مرد نمی‌ریزند. رشوه و تعارف  
 هم ندارند که بدهند. دروغ و خدعه هم نمی‌توانند بگویند  
 و بکنند این است که در برده و گوشه نشینی شان دانسته  
 اند و مردود ایشان شده اند. بلکه اگر بتوانند متفق

علیه شده خونش را مباح و خاکش را برباد خواهند داد  
مرحوم میرزا تقی خان امیر نظام بعد از آنکه  
روشهای حاج میرزا آقاسی و اختلال خراسان،  
ملزندان، مرستان، لرستان، فارس و اصفهان دیدید  
بانگ مدنی چه خدمتها که نکرد و چه جانفشانیها و  
کفایتها بود که پیشنهاد همی نداشت، آخر دید آنچه  
را که دید

هر چیزی میداند مملکت بعدل فعلی و رعیت آباد  
است و این رعیت که برادرهای وطنیه ما هستند  
حوائج و ضروریاتی لازم دارند که آفت نیز باید از  
خود و از حسد مملکت سرانجام بشود. مقل صنایع،  
بدایع، ترویج متاع داخله و تحصیل و تکمیل اسباب و  
نواقص آن، و برای تأمینات و عدم تجاوزات متصوره  
هم قشون میخواهد، چه بزرگ سلاح و چه ردیف  
حاضر قابل السلاح، آن هم لوازماتی دارد اعم از  
بری و بحری

امروزه برای آقایان از صدر تا ذیل دستورالعملی  
نیست و تکالیف آنها بلا معین است، نه میداند و  
نه میداند که می دانند، فقط بصورت سازی و اسم  
گذاری و تقلید همشان مصروف است که طعمه پیدا  
نمایند و از خون ابنای وطن ذخیره بردارند

اگر کسی هزاران خیانت بدوات و ملت نماید به  
یکصد تومان تعارف خیانتهای او مبدل بخدمت شده  
صاحب امتیازات و مرسومات کافی و مناصب و القاب  
بزرگ هم خواهد شد

در این سورت و در این مدرسه علمیه ~~که~~  
بجداقه تعالی همه فارغ التحصیل هستند، آیا نتیجه غیر  
از اینها خواهد بود یا نه ؟

هیجوقت شنیده اید که خدمت و خیانت کسی را  
در انجمن مرکبه از اشخاص بی غرض که خدا بدهد  
تفتیش نمایند، و از آن رو بدون اغرض سزا و جزا  
بدهند یا نه ؟ تعارف است تعارف، دزدی و کلاه برداری  
وسیله اعتبار و اعتلا و بزرگواری شده است

از فرنگی ماها هم که جز تشبه و استهزا بقواعد  
اسلام علایم و آثاری دیده و شنیده نشده است،  
بلکه با کارد و چنگل غذا خوردن و غذا های ایرانی  
را قبیح کردن و اجنه محرمات نمودن و آلت نفوذ

اروپاییان شدن فرزه هستند و یگانه عصر  
فعل و آثار دلیل علم و اسانیت است نه هرکس با روپ  
رفت و چند روژی تعیش فسانی نمود ظلم ربانی شد،  
( حاجی توفیق شتر است از برای آنکه )  
( بچاره خاری خورد و بار میبرد )

میتوانم عرض کرد از وقتی که امثال این آقایان  
مشوق مسافرت شاه شهید البیه الله حلال الدور با روپ  
شدند، آثاری جز تهدام قوای دولت و ملت از آنها  
تا کنون مرعی و ملحوظ نشده و نخواهد هم شد  
شنبدم در زلزله و خرابی قوجان قدیم سیاح  
انگلیسی کیتان طاسی سؤال میکرد و ~~کراراً~~ خبر  
میگرفت که مبادا بکنفر انگلیس در قوجان مرده  
باشد و زیر آوار رفته باشد، کسی از ایشان  
برسید این همه بریشانی خیال براسی بکنفر انگلیس  
سزاوار نیست، جواباً اظهار داشت زیاده از این رواست  
که تفتیش نمایم زیرا ابنای وطن و جزء روح و جسد  
من است

ملاحظه فرمائید چهار هزار زن و دختر و عروس  
را حاکم و سرحددار ما بتراکه میفروشد، با او بلاعبه  
و ملاحظه رفتار مینمایند که تا رشوه بواسطه بدر زن  
او بگیرند و سبیلی چرب نمایند، بانگ زمانی صاحب خانه  
و باغ و اسب و براق و کالسه شدن و کرورها زینت  
و اثاث البیت و املاک بهم رسانیدن پس از کدام عمر  
است، الحاق معنی المسامون بدالواحد همین است

با این اساس ملامت هم نمیتوان کرد، زیرا که  
فلان وزیر پول میخواهد، و تا نگیرد کسی را در  
حضور هابونی بخدمات فعلی معرفی نمی نماید، و همینکه  
وجه معمول و مأمول را گرفت هر خانی را عیبی  
عالم و فایح کره ارض مینماید، این است که بازار ظلم و  
ستم دابر و اوجها پیدا کرده است و بهمین واسطه  
مبادل صد و بیست کرور از رعیت بچاره استخراج  
میشود و تمام را به یقها میبرند و دوات را هم بعلاوه  
مفروض مینمایند

دیگر برای سرقت مال مردم و هر طور خیانت  
و فروختن حقوق دولت سر مشتی بهتر از ترتیب  
مواجب نیست، که حاکم و وزیر و مستوفی و عزب  
دفتر و صراف حکومتی خون مردم را چگونه می

خوردند و بالوہیت رفتار می کنند، خدا انتقام بکشد  
وزرای ما اولاً شاه را بطور حبس نگه میدارند  
کہ ہم بی خبر از حال رعایا و مردم و نوکر باشد، و  
هم ہر چہ و ہر کہ را کہ خود میخواهند بکنند و  
جلوہ بدہند، ہم پدر را از اولاد و ہم اولاد را از  
پدر متوہماً دور می دارند تا زمان ترک تازی آنها  
امتدادی پیدا نماید

انیاً تا دولت معاملات خود شراکاتہ صحیح نماید  
حق بقاعدہ مشروع مثل اروپا ندمد و حق خود را  
هم خود بگیرد حالت صحیحی در کارها ظاهر نمیشود،  
اولیای دولت باسم دولت همه طبع کلاہ برداری ر  
می بینند، معلوم است کہ این معاملہ سر رشتہ عمومی  
شدہ تمامی امور مختل بدین وسیلہ خواهد بود، و ریشہ  
ظلم ہر لمحہ قوی تر خواهد گشت

ثالثاً ہر کسی را از صدر تا ذیل بدون استثناء  
در ظرف چند سالی می باید با قبول اسلام بعد از قسم  
بمحضر استنطاق بگذارند و از او بخواهند صورت  
خدمات فعلی ناسئہ او را در مدت معلومہ با یا بداش  
لازمہ و سزای عمل، در آن حال دور نیست حقیقت  
و صحیحی در کارها پیدا شود و متدرجاً زبان اطوار  
مبدل بمحاسن کردار شود

و اگر امروز براسی متفقاً بدانند و بخواهند شرف  
خودشان را و شروع بکار نمایند، اولاً سی سال دیگر  
وقت میخواهد تا آب رفته بجوی باز آید

### مکتوب از مراغہ

( ز جور و ظلم کار اہل ایران بسکہ درہم شد )  
( برای انتقام افتات مظلومان مجسم شد )  
مدنی است کہ صدای تاجیر امضای قانون اساسی  
و شہرت عدم انحداد دولت با بحاس شوری وضع  
ولایات را مختل نموده و اسباب شورش عموم گشتہ  
مردم چنین فہمیدہ اند کہ دولت با بحاس شوری  
متحد نیست و بانکہ در خیال برجیدن مجلس است و  
قلباً مایل اخلال ممالکت، کہ مردم بستود آمدہ از  
مشروطہ و انجمن مزجر و بسطنت مطلقہ و استبداد  
قدیم نفس بحس پناہ بیاورند، و نا یکدرجہ ہم حدس  
ایشان صواب دیدہ میشود، زیرا کہ از پنجہ سال باین  
طرف اینطور ناخفت و تاز و تہب و غارت دیدہ نشدہ

است، اگر محرك خارجی و اشارہ دوستی در کار نباشد  
ہبچکس این جسارت ہارا نمیکند، بی حکام و رؤسا  
ولایات مردم را می جا بیدند و لخت میکردند، ولی  
خودش را نمی کشند و عرض و ناموس نمی بردند،  
لیکن این اوقات کہ از ہر طرف اشخاص آشوب طلب  
و دزد و دغل سر بشورش بر داشتہ ہر جا و ہر کسی  
کہ دست می یابند از ریشہ کنندہ و جاروب میکشند،  
سہل است در بعض مواقع خودش را نیز میکشند و  
ناموسش را میبرند،

این شدہ قریب یکماہ است در حوالی مراغہ و  
قوری جایی و ہشروود و جار و باق و کورانلو بحجہ  
تغییر هوا گشت و سیاحت میکم اوضاعی مشاہدہ  
کردم کہ قلم از تحریر آن عاجز است سوار های زیاد  
از قراداغ آمدہ در دہات اطراف رودخانہ قرقوی  
ہشروود قطعات بانوق، خورشید، قنتقو، کوبکہ قلاقہ  
و غیرہ عرصہ محشر را برپا میکنند، مثلاً مال و دواب  
یک قریہ را کشیدہ یک فرسخ می برند و در آنجا  
انگہداشتہ بقریہ مزبورہ خبر میدہند کہ اگر پول نقد  
بیاورند اموال شما را بخود شما میفروشیم رعایای  
بی جاہ با آن پریشانی باچہ مذات و عسرت ہر کسی  
فراخور حال پول نقد درست کردہ میبرند، گاوی  
را کہ بازوہ تومان قیمت دارد بہ پنج تومان وگوسفند  
بدو تومان و اولاغ بہ سہ تومان نقد شمرده و از نو  
میخرند، ہر چہ بفروش رسید میفروشند، ما بقی را  
بولایات خودشان میبرند، و گاہی روز روشن آمدہ  
در قریہ افتادہ بخانہ های رعایا داخل شدہ از اجناس  
خوب و مخلفات و تفنگ و غیرہ ہر چہ می یابند برداشتہ  
و بار کردہ میبرند، و اموال و دواب همان قریہ را دو  
خود همان قریہ بصاحبان میفروشند، دیگر زحمت جمع  
کردن مال از صحرا و بردن ازین قریہ تا آن قریہ در  
کیسہ میاید،

یککافر حاجی نقل میکرد کہ بخانہ من آمدند  
قدری از مخلفات و تفنگ مار تین و غیرہ برداشتند  
با ہزار عجز و الحاح چہل تومان قدم دادم کہ مزاحم  
اموال من نشوند و شرط کردم کہ ہفت و ہشت نفر  
شتر در قریہ ہمسایہ دارم باو ہم مزاحم نشوند، بعد  
رفتن درہمان قریہ نیز ہمین قرار رفتار کردہ شترهای

صرا نیز مبرند، خبر دار شده رقم با هزار اصرار و عجز و الحاح هشت تومان دادم و شترها را بصدق و صداقت من رد کردند، خلاصه اگر صاحب خانه و رعیت بچاره فی الجمله استاد کی کند بقتل میرساند و احیاناً اگر زن صاحب جالی می بیند البته بی ناموس میکنند، قریه بست که غارت کرده باشد،

در قریه خراسالموی مشغول نقل بگردید که سه ساعت دعوا کردیم از مارد شدند رفته قریه علی آباد را بنوعی جلیبند که چیزی نماند، حالا قریه خراب و رعایای قریه سؤال میکنند و هر روز آمده از قریه ما دوع وای آشامیدن ببرند و چارهای مدرند، و اختر عرض آنم چند نفر از مومنین تهریر کردند که جماعت دزدان شرکت تجارت تشکیل و دفتر تجارت بقاعده ترتیب داده اند، باین معنی که هر کس طالب اقباع اموال منموه شد پول را برده تحویلدار میدهد، و بعد از آنکه تحویلدار پول ها را گرفت و در دفتر ثبت کرد ورقه می نویسد و بدست پون دهنده میدهد، که قیمت فلان قدر گاؤ و یا گوسفند رسید تحویل دهید، مستحکمین اموال ورقه را ضبط کرده مالها را تحویل میدهند،

رحیم نام قرا چورلو که قریب هفت و هشت ماه بود در کوهستان اوج نار و تل دمن مشغول ناخت و تاز بود بدعات قوری جای آتش میزد و راه نرود اردبیل و مراغه را میزد، بکدغه سوارن چاردولی مأمور بگرفتن او شدند، رحیم فرار کرد، کوك محمد نام را که یکی از رفقای او و مشاهیر دزدان بود قتل رسانیده سرش را بمرغه آوردند، بار رحیم تجرید جمعیت کرده آمده در اوج نار چادر زده شدت تمام مشغول ناخت و تاراج شد، خوانین چاردولی و صاحب منصبان فوج هفتم شقاقی و آقایان حول و حوش بچند ملاحظه سکوت نموده و مدفع او قیام نمیکنند، اولاً چون رحیم و کسانش باملاک ایشان دست اندازی نمیکنند ایشان هم مزاحم نمیشدند، دوم اینکه در عشق کدام دولت کدام سلطنت خودشان را بزحمت افکنند و پیش گلوله سرخ بروند و حق هم دارند، زیرا پست سال قبل ازین صاحب منصبان و اهالی قوی جای و هشت رود کلاغی و منقول

بودند، بعد از آنکه فوج هفتم شقاقی سپرده و بجناب . . . . . کردید بسکه منزل و نصب صاحب منصبان در کار شد همگی محتاج نان یومیه شده قادر بر حرکت نشدید و مستاسل گشتند،

مثلاً یکنفر یاور را و یا سلطان را که پشت اندوخته خدمت کرده بود منزل نموده و یکنفر بچه و یا سفیدی را یاور و سلطان کرده هزار تومان و یا با صد و شش صد تومان گرفتند، بعد از دو سال از سلطان جدید را امم به بی کفایتی گذاشته منزل و از آن یاور و سلطان اولی هزار و ناصتصد تومان گرومه نص کردند، بعد از یکدو سال بار سلطان و یاور جدید اولی ر روی کار آورده آن قدیمی ر معزول و مبالغی پول گرفتند، و قس علیها سرهنگ و نایب اول و دوم تا اردال و ده ناشی چه حادثها که در سر این منزل و نص خراب و مصحح شده، کاظم خان یاور خیرالله خان یاور، حیدر خان یاور، عبدالله سلطان، واحد سلطان، حسن سلطان، و عباسلی خان سلطان، و غیر نایب احودان، که این بیج نفر حالا محتاج نان یومیه و سائل بکف شده اند، و حسین سلطان و غدار سلطان و . . . و . . . و که همه آنها خاندن عطیمی بودند هست و نیست اینها بشرف و پیشکش صاحب معنی رفته و سر کرده ایشان اسی ندیده و گره، و نعلیده است، و از یکطرف هم ممل و مدی حکام که بسه بر خدا، پس در بصورت این قدوس مدحت و یا اهالی بیچاره بهشقی که و امید چه رفته جان و پیش گلوله دهد، سوم اینکه هموم اهالی اینولایات از عبرت وطن برستی بری و عاری هستند و نمیدانند که حفظ و حرارت خاک خودشان فرض دمت ایشان است و لذت خدمت وطن را ندانسته اند

بارسیه تا اینکه رحیم مزبور از ناخت و تاراج این ولایات سیر شده و مال بی نهایت جمع کرده با جمعیت خود واهل و عیال کوچ کرده بطرف حمسه میرود که بقیه همسر باستراح مشغول صرف اموال حلال خود باشد، در عبور از محل کورانبو بجهت سکنتی بارشان یکنفر شتر ارگلی قریه بر میدارند که بار حمل نمایند، شش نفر از اهالی گلی و دانش کن که آدمهای جناب ارشدالاطاف فرزند ارچند حیدر



خانقاه سوله السلطنة مرحوم طاب ثراه هستند سوار و ایشان را تعاقب و در انتهای محال کورانلو بسر وقتشان رسیده جنگ کرده ۳ نفر از مشاهیر رفقای رحیم را ابن ، آقا ، بایرام ، بقتل رسانیده تمامی اموال منسوبه را مسترد و هیال و اولاد شان را اسیر کرده اند خود رحیم فرار کرده بدر رفته است ، جناب ارشد السلطان سوار هاییم زیاد از عقب او گسیل نموده اند که در هر جا یابند گرفتار کنند ، سوار ها تا محال خسته رفته پیدا نکرده اند ، الیوم تمامی ولایات هرج و مرج و نا امن است مگر ولایت کورانلو که چندین سال است از سهم و صلاحیت سوله السلطنة مرحوم و کفایت و حسن توجه جناب ارشد السلطان مزبور که حکمران این ولایت هستند بنوعی امن است که اگر طبق زر در سر اسان گردش نماید کسی نمی برسد که از کجا میانی و بکجا میروی ، و مخصوصاً از اهالی و رطایب قریه هاییم کورانلو سراغ گرفته ام همگی از حکومت و عدالت جناب فتح الله خان ارشد السلطان میر بجه راضی و متشکر هستند با حدی دیناری ظلم و تعدی ندارد ، فقط ظلم و تعدی ایشان دزد و دغل وارد است ، نه آدمهای سالم و درستکار

و از جمله آثار حیرتیه سوله السلطنة مرحوم بلرودخانه فرسوخ است که ما چهارده هزار تومان مخارج از روی رودخانه فرسوخ با یازده باب چشمه و طاق کشیده است ، و مردم را از خطر این رود خانه خلاص کرده ، که چه قدر اسان و حیوان و بار در طغیان این رودخانه بیاد فنا میرفت و ابدال امر مذوبات این بنای مقدس بروج بر فتوح ایشان باید خواهد شد ، خداوند غریق رحمت خود فرموده فرزند ارجمند و نهال برومند ایشان ارشد السلطان را در جای آن مرحوم بر قرار فرماید ، و به سایر حکام و خوانین ما غیرت وطن برستی بدهد که ایشان نیز ازین وجود قایض الجود سرمشق بردارند که این پدرها که مردم را می جانبد اقل بتوانند یادگاری و نام نیکی یادگار بگذارند ،

اگر از اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده سوله السلطنة مرحوم و فرزند رشیدش بنویم مطلب بطول انجامد اشخاصی که با آن مرحوم ملاقات و بخواه اش رفته و از خان احسانش چشمیده و بعدل و داد ایشان وقوف

رسانیده میدانند و محتاج بنوشتن بنده نیست ، الموسوی که تا بحال نه در امانه دولت بصیرت و نه در رؤسای ملت کفایت بوده است که این قبیل اشخاص را نوازش و تربیت نموده باز دیاد درجه و رتبه و ادله پشت گرم نمایند ، مومی الیه زیاده بر ما سبق مشغول خدمت وطن گردد ، امیدوارم که انشاء الله من بعد مجلس شورای کبری و امنای دولت مراتب کفایت و قابلیت این قبیل اشخاص را بهدر نگذاشته و از وجود شان بهره کافی ببرند ، ( اقل الحاج حسن شکوهی )

تیار مستبدین

مجلس مرکب از ( ۱ ) ح - ع - رسول - ( ۲ ) ح - م - جعفر ( ۳ ) ح - ع - خالق - ( ۴ ) ش - محمد ( ۵ ) - علی ( ۴ ) م - علی ( ۷ ) م - ابراهیم ( ۸ ) ح - م - نفی -

( ۱ ) رفقا و یاران چه نشسته اید باران بلا از هر طرف باریده وضی پیش آمده که عقیده مردم درباره من قاسد شده ، مبتزم کار بجای نازک بکشد ، فکری کنید - چاره بیندیشید - شاید از این بدبختیها جلو گیری شود

( ۲ ) و ( ۳ ) - ما هم از دیروز خیلی در این کار باریک شده می بینم راستی وضع بسیار تغییر کرده ، اگر بخواهید همین طور دست روی دست بگذارید و صبر اختیار کنید کار از دست و تیر از شست می رود ، همه مردم دیگر نه اعتدالی بشا میکنند و نه لطفی با دارند ، اقتدار شما کاسته شده ، قرب و منزلت اتباع شما از میان رفته - یاد ایامی که استبداد در کار و روزگار بکام مشق غدار بود - حیف ازان جماعت اشرار و فرقه تا بکار که مردم را انگشتر انگشت خود می ساختند و برتر و خشک آنها می ناختند

( ۴ ) ( ۵ ) باید فکر کار کرد و تعبیه خوبی بکار برد ، نظار دارند بیوسه تعرفه میدهند و مردم از این دستگاه رو گردان شده ، هیچ اقبالی با این طرف ندارند ، ما دو نفر را همان این است که فوراً تلگرافی به دارالشورای ملی کرده باره امضا های جعلی در آن بنویسیم و بگویم نظار اشخاص نالایق تعرفه میدهند ، باید یا معزول شوند یا کسی بر آنها قاطر باشد ، این را ما دو خوبی دارد ، یکی آنکه اگر دارالشوری آن طار

عزل کرد که خیلی خوب است، دیگر اینکه اگر کسی دیگر ناظر بر نظر معین نمود (پور علی)

(۱) خطاب به (۶) کرده میگوید همان طوریکه گفتند بنویسید

(۶) مشغول می نویسم

(۸) تا بحال من در این مجلس حاضر نشده ام اما رای خود میگویم حالا میگویم تا میرزا مشغول نوشتن است خوب است اگرانی دیگر هم مدارالشوری بنویسد که این سید... خیلی شرمی دست گرفته از گلاب خود یا دراز تر کرده و از دهن خود بزرگ تر حرف زده.

(۲ و ۳) ما هم... خوب است اما این عبارت که گفتید خیلی سست است

(۱) خطاب به (۶) کرده. عبارت خوبی بنویسد -

(۶) و ششم اینطور

پیشگاه مبارک حضرت مستطاب و کلاه دارالشوری ملی زید احلامهم - ما فدویان از سالمی دراز در زربار ظلم و تطاول و در تحت فشار تعدی و جبر بودیم، حالا که اداره کردید و مشیت پرورد در بر -  
 نعمة اطهار عالم صلوات لله الملائک انعم الله علیکم بطریقیه و آفتاب حسن تاب عدل و داد پور باش و دروغ از گردیده دیگر شایسته نیست بعدی و اجحاف و ظلم و اعتساف بر ما وارد آید، اما می بینم هر روز کار سعادت تر و مستبدین پر قوت تر میشود یکی از آن ها سید... است که بی شرمی پیشه کرده با لباس مل علم در آمده، مثل گرگی که لباس میش در آید، عاجزه از پیشگاه آن حضرات ملتزمیم که امر مبارک به نفی و تبعید او شود تا فدویان آسوده بوده دعا به عمر و عزت شما بنام

(۳) آورین بر حسن محراب توباد

(۱) دیگر چه؟

(۵) همه چیز - اگر کار را بدست من واگذار بکنی تا فردا می فهمی که کاری بکنم که (نه بر سره بر زنده باید گریست) معلوم است تو می توانی در این ولایت بدون ریاست زندگی کنی، و همه میدانند دیگران میخواهند ریاست ببرند و سر نورا بی کلاه

کفند، پس بهتر آنکه مشق بول من مدعی روم سبیل بعضی رفقا را چرب کرده تا اگر بخوانند آنجا کنند سر حساب باشند. بی بول پیشرفت عمل و ریاست محال تر است. ارادت من تا سعادتی بری

(۷) راستیکه من از همه شدیدم که چون این دستگاه خیلی خشک است از این سبب مرغ هم این طرف بر نمیزند، باید نازک مرغی فردوسی عمل کنیم (نور میتوان لشکر آراست)

(۱) باشد تا فردا شب

(برده افتاد)

جلسه دیگر

اعضا همان قرار

(۱) تنگرافی بحواب ما رسیده بخوانید خواه اندند

حواب عمره ۱۷

اعضاء محترمه انجمن تهرانی و سایر تجار عظام دام افدالهم. تا گراف دایر بر تعلم از حجاب... سید... رسیده خیلی مانده حیرت و شگفتی شد، و بر آنکه جناب معطل آید، چون اخبار و مکاتب و تواتر متنازه و از نهمی که راجع شده شخصی است و حاشا علی و روح آریسته و ربوت عراس د... فر شایسته رسته، در ترویج دین من و... است... المراد من مردمان شاهده دارد، من... حلی و جهت مناسبات دارد، اولی نسبت به گزر عراس... (شوری ملی)

(هر ده زبونی آید ما را بدیم)

(می خورم نان خود و مدد از مادام)

(۵) گفتم بی بول کار نمی شود، حالا هم هرچه

تاخیر در دادن آید از کینه خودمان رفته

(۱) حاضریم میبندیم، دادند.

(۴) حالا قوت قات داریم، باید قدری از این

بول صرف محاراج تنگرافات شود، قدری مستحقین

برسد، قدری هم در کینه خودمان برود، آخر گریه

هم برای رضی خدا موش می گیرد.

(۲) شما این مجلس بطار را کاری بکنید موقوف

شود، من از غصه نزدیکت بترکم. بیکاری خودش بک

دود، عم خوردن هم درد دیگر.

(۴ و ۵) باقی بگذارید با خودمان، ما بک

کوک و کلکی بزیم که خودشان بفهمند و پنهانی ایشان  
(۳) موفق باشید انشاء الله ، این تلگراف خیلی  
باعث شکستگی دلم شده ، کاش امشب نیامده بودم ،  
طوب است برویم منزل ، بحاس برخواست  
(۴ و ۵) در راه - تا جرخ و فلک رسد دور  
است ، هر شب همینطور است

(۷) چرا نمیگوئید ( تا که الله در جهان نافی  
است - مفلس در نمی ماند ) ( صاحب نیات سری )

### مژده باد ایران را مژده باد

مخبر روزی از طهران تلگرافاً خبر میدهد که  
اعلیحضرت اقدس اعلی امپراطور معظم ایران و ولی  
نصرت اعظم ابرایان محمدعلی شاه جوان بخت بافر فر بدون  
و شکوه جشید بقدم میملت لزوم دارالشورای ملی  
را مزین فرمودند مجدداً بر طبق قانون اساسی  
مشروطیت سلطنت قسم یاد نمودند

( جبل المتین )

بر این مژده گر جان قشام رو است

که این مژده آسایش جان است

امروز میتوان گفت ایران دارای دولت  
مشروطه کامله شد ، امروز شایسته است وطن  
خواهان دور و نزدیک را مژده داده ، بشارت دهیم  
که ( الیوم اکلت لکم دینکم ) امروز بر طالبان صدق  
مقالات جبل المتین ظاهر گردید ، که از بدو مشروطیت  
سلطنت ایران این شاهنشاه جوان بخت را مؤید این  
اساس مقدس می نگاشتیم ، و طابع پیش رفت امور را  
شخص امین الساطان مبدانستیم که در نظر ساده لوحان  
خود را مشروط خواه جلوه داده ، و ات اقدس  
شهریار را طابع این شروع مقدس می نمود ، چه خطبات  
طالی را بگور برد ، و چه مقاصد متعالی را بخاک سپرد  
بلی امین الساطان سعی بود که ندای نادری را بکار  
برد ، یعنی همان تدبیر که نادر سلطنت را از دودمان  
صفویه خارج کرد میخواست از سلسله جلایه قاجاریه  
خارج نماید

( و فوق تدبیر ناله تقدیر )

خواست خداست که سلطنت در این دودمان  
تا قائم آل محمد ( ع ) باقی ماند ، سلسله جلایه قاجاریه  
اگر درست غور نمایند پیش از سایر طبقات ایران باید

خدمت عباس آقای شهید وطن ، وفدای ملت را منظور  
دارند حالا لازم است کسانی که با آواز بلند می گفتند  
جبل المتین فضولی میکنند از سهو خود نوبه نمایند  
جبل المتین فضولی نکرده مبدانست چیز هائیکه آنها  
نمیدانستند ، ملت ایرانیه تمام این خوش بختی و این سعادت  
آزادی را از مجاهد حقیقی وطن عباس آقا دارا هستند  
وریه هیچگاه زیارت جمال پینال بدر تاجدار خود  
در بهارستان باین شوکت و دبده نائل نمی آمدند  
بیان وجد و شغف و شور و خروش غیوران ایران  
بمجم شوال در طهران حین ورود بدر تاجدار شان  
در مجلس شورای ملی امریست وجدانی که به تحریر  
و تقریر در نیاید ، همین قدر میتوانم گفت که از  
ابتدای عالم تا کنون ابرایان را روزی بدین میمنت  
و بهادری پیش نیامده ، و وقتی را بدین بهجت و مسرت  
ننگذرانیده اند ، امروز دشمنان ایران همگین و دوستانه  
ماشاد گردیدند امروز اتحاد حقیقی ملت و دولت ایران  
قائم شد ، امروز اثرات پلینکی معاهده دولتین روس و  
انگلیس از ایران مرفیع گردید از امروز دولت ایران  
سلطنت ملی قرار گرفت ، و تا بقای ملت این سلطنت  
این خاندان برقرار ماند ، امروز چهل کرور نفوس  
حکم واحد را پیدا کردند ، از امروز چهل کرور  
ملت ابرایه حافظ سلطنت ملی خود شدند و برای یک  
شیراز خاک مقدس وطن خود از مال و جان دریغ  
نخواهند داشت امروز سلطنت ایران در اعداد دوله  
متمدنه عالم بشمار آمد امروز سلسله جلایه قاجاریه و  
خانواده سلطنت عابیه را اطمینان کامل به بقای سلطنت  
در خانواده خودشان حاصل گردید ، امروز اعلیحضرت  
محمد عایشاه مضاً همدوش گردید ، بامیکادوی ژاپون - و  
امپراطور آلمان ، و پادشاه انگلستان ، خداوند رحمت کند  
شهید وطن عباس آقا را که تمام این برکات از بر تو  
آن وجود است که شامل بحال ابرایان گردیده است

### بندر نجه

یا عالم عالم تأسف

یکشنبه ( ۲۰ ) شعبان جہاز میل مقررہ از بصرہ  
وارد شدہ ہبری ہائیکہ برای لنگہ بود پائین آمدہ  
تقریباً ۲۴ تنگ و صندوق مال التجارہ همراه داشتند

محل داده پیش آقا سید شبر بخرانی جمعیت فرستاده تمام اشیاء را از کمرک برد اجزاء کمرک ارتس توانستند حمایت نمایند فوراً جناب علاءالسلطان به جناب دریابگی خبر داد همان ساعت از دارالحکومه چند نفر تفنگچی محض جلو گیری فرستاده شد. ولی قبل از رسیدن حاکم موری حکومت تمام تفنگها را بردند - در آروز چنین اشتهار یافت که آقای دریابگی رسماً به آقای سید شبر نوشته که چون وجودش مخل امنیت است باید سه روزه از اینجا خارج شوید، آقا سید شبر هم جواب داده که من نه باجاریه شما اشتیاق و نه باجاریه شخص پادشاه، من جانشین پیغمبر هستم و ابداً از جای خود حرکت نخواهم کرد - از آمد معلوم شد که این مسئله حقیقت داشت یا آنکه مصنوعی بود

امور تذکره از هفت سال این طرف معرق بوده در اوایل مرحوم آقا سید محمد محمد بخرانی طابع نیز اجراء بود، بعد از آن آقا سید شبر حمایت میکرد و میگذشت که در موقع احرا آید - ولی از روزیکه انجمن مقدس آزاد تاسیس شد - کفیل کار گذاری یا آقا سید شبر قرار گرفته که هر کس در وقت مسافرت رفته معافی از مشار الیه داشته باشد امداً طابع نشود - و از یکطرف ظلم و تعدی به فقراء می کند و مدقی با مسافری سلوک می نماید

چه اولاً خادر عمان و مسقط و بحرین که اباً تذکره ندارد میگیرد (۲) طایفه اسوان و انحصار خارج از رشده از گرفتن اداره معافند (۳) مدهد (۳) تذکره دولتی ندارد و روی کاغذ سفید میبوسد (۴) تحریر هم نمیزند (۵) مسافری هر کس با آقا سید شبر است معاف و هر کس با انجمن است علاوه از حقوق تذکره باید هر کس بی حسنی هم متحمل شود - و به مردم میسپارند که این تذکره نمره انجمن است، هرگاه با انجمن نروید از تذکره معاف خواهید شد خلاصه بندر اندک مرور خیلی همیت برداشته حضرات تجار از امنیت کلی مایوس اند مستبدین کوشش دارند که بهر طور باشد مانده شیمه و سنی فساد بزرگی برپا نمایند - هرگاه جلو گیری این فساد از چند نفر عقلائی شد تا امروز کاری شده بود که قلم از تحریرش عاجز بود - از تشریف آوردن جناب

دریابگی تا امروز ۲۵ یوم گذشته ابداً قایده که دال بر املیت باشد حاصل نشده - بلکه صد درجه از اول بر جرئت و شرارت مفسدین افزوده است، زبان میگوید نوکر مجلس و مشروطه را حامی هستم - ولی چون دست خارجی در کار است یعنی یکی از مأمورین خارجه که سالها مانند زالو خون ما را مکشده است هر طور به جناب دریابگی اشاره نماید مجبوراً باید عمل کند - چنانچه امروز که یوم سه شنبه و ۷ شهر رمضان است يك بغروب مانده دو سه نفر فرس فرستاده که بروید انجمن را بشکستید و لوحه شمس را بشکستید، این مشروطه مشروطه یعنی چه - فرانسها هم حسد حاکم به انجمن داخل شد در کل اعانت بنای فحشی و هرزگی نهادند، و لوحه انجمن که چهار کلمه مقدس یعنی حریت - مساوات - امنیت - ملکیت و مشروطه باد جاوید، پانده باد ایران، در او محکوم بود شکستند و آدمهای انجمن را قدغن کردند که هر گاه زیاد تر از این در این جا بمانند هدف گاریله خواهند شد - عموم تجار و غیره که این حرکات از انجمن مشروطه خواه یعنی جناب دریابگی ملاحظه کردند خیالاتش تبدیل شد و مسمم اند که بطریق هرگز تکرار با طهران بخوره نمایند، و ترا ضلوع و بی حسی - حواس دیگر خواهند داد که خورت را بداند، یک نگاه مال التجاره بنگاه برسند -

خلاصه هرگاه که مدتی بود - در ایران بدین قسم بود نماید - دریابگی حیل یکی که هرگز انجمن نماند و مردم با هم اتفاق داشته اند راه می بردند - و نیز می بیند که حزب علاء - در آن فرستادن ایران و شخص عبور وطن خارجه است، مریه را از فواید مشروطیت آگهی می - رد از بدین کنگه در مردم بین صفحات بیدر و هوش را حراهم شد - بر این ملاحظه جد و جهد دارد که هر طریقی باشد معطلان را از حرکت مدهد و اسم مشروطیت را از ذهن مردم خارج نماید - ولی حاکم او را با حق است،

صفر علی خان که سابقاً نایب حکومت بود - بعد روز قبل از پوشش سمت نایب حکومتی وارد شد - قبل از آنکه از جهاز پیاده شود یکی از نوکرهای خارجه سفارش

به جنب دریایی دادند که مشارالیه پیاده نشود عاقبت هم آمده و روایت عباسی گردید - خداوند انشاء ما را از شر دشمنان وطن فروش مشروطه ما محفوظ بدارد خیر خواه ملت و دولت

### حبل المتین

معنی نماید که این حرکات در سلطنت مشروطه از حکام دی احتشام ابدأ پسندیده نیست، امیرالسلطان رفت و بقر خود هم رسید، باید حکام والاحاء دستورالعملهای او را، در اغتشاش ولایات و بر هم زدن انجمنهای محلی در حاک نمایند،

امروزه ایسته است که حکام - مرشق از ولینعمت بی ملت خود اعلیحضرت شاهنشاهی اتخاذ نماید که ما چه بدارد ما اصول سلطنت مشروطه همراه اند، امروز حکومتها خصوصاً حکام - مرحدی باید خود را دست نشانده و مواجب حواری احاطه نشوند، و بقای خویش را در حوشنودی و رضای آنها دانند، این حرکات نبشه در بسته خود زدن است، مجامع بحکم قانون اساسی آزاد است، حکومت ابدأ حق آن را ندارد که بر هم زند گیرم راهی بدست آورده که در خلیج فارس انجمن ولایتی باید و آنها در بوشهر خوب بود ایشان بدوا انجمن ولایتی بوشهر را منعقد ساخته و وکلای لیکه و عباسی و غیره را در بوشهر حاضر ساخته سپس قدام باین حرکات می نمود، آنها بیوع شایسته یعنی - ان شمس آزاد لیکه را از ولایتی به ملدی، از ملدی به ملدی - حکومت همین قدر حق داشت که انجمن آزاد را رسماً نشانده ولی ابدأ حق آن را ندارد که بخواهد یا . . . مأمور همسایه باین اقتضای انجمن آزاد را بر هم زند، و حال اینکه هیچ ایرادی بر او وارد نبود، حکومت برای ناقص خود نمیتواند به تهمت جمع را هم زده محل امنیت گردد، حکام آن احتیارات ساده را ندارد

به دین بدستی ازین بالا بر که در تمام حصه جنوبی مملکت ناک انجمن، معتمد و بدل حبشی در مات نمودار شد، - تربیت شده ما باین وضع غیر مرغوب بر هم زند باین اصول ناشایسته این حرارت ملت را به بودت تبدیل نماید

حکام والاحاء باید بدانند این حرکات نبشه بر ویسته

خود زدن است، این افعال آنها را از جمیع شئونات جامع می نماید، انواب تحقیق و تفیش باز است، در مجلس ملی کار با شکیبای نمیکند و به ترسید ازینکه شما را در عداوت طهران بکشند و استنطاق نمایند چنانچه بزرگ تر از شما را کرده و میکنند دفتر پارینه گاو خور شد، عادتهای مبشومنه دیرینه را باید ترک کرد، خودسری و خود رأی را باید بدور افکند، فعلاً بهمین قدر اکتفا می نمائیم، بلکه انشاء الله لازم به بعضی تشریحات نشود، ورنه شب دراز و قلندر بیکار است

### چه يك مرد جنگی چه يك گدشت مرد

خبر روتر بتاریخ یازدهم نومبر مطابق ۴ شوال از طهران خبر میدهد که بودجه (جمع و خرج) دولت علیه ایران مکمل شده بکثرت آراء از همه اعضای دارالشورای ملی گذشت جا خالی بودجه برگردیده حالت طالبه ایران رو به ترقی است

### حبل المتین

میتوان گفت در هیچ عهد و زمان عمل طالبه و جمع و خرج دولت علیه ایران از روی صحت و اصول علم و فن مرتب نشده بود و این اولین بودجه است در ایران جمیع خرابیهای مملکت ناشی از این شرب اليهودی طالبه بود، نداشتن جمع و خرج صحیح دولت را مقروض کرد، صعیف ساخت، محتاج نمود ویران ساخت و - و - و جمع افراط و تقریبط هائیه دستنگاه دولت ناشی از نداشتن اصول جمع و خرج بود، این خدمت بزرگ و منت عظیم را بر مات و دولت ایران حضرت اشرف آقای ناصر الملک صدر اعظم و وزیر مالیه نهاد، که الحق خدمتی نموده تاریخی که تا بقای این ملت و دولت فراموش نخواهد شد، یکسال کامل این مرد بزرگ که امروزه اول عالم ایران است درین راه زحمت کشید، و آنچه مواجب را هیچ اشهره، تا وقتی که بودجه را تکمیل کرد، همین که بودجه تکمیل و مجلس - پرده شد سبب مواعینی که دگرش درین مقام چندان مناسبت ندارد، از وزارت مالیه استعفا دادند تا اینکه بحمد الله وفق مشروطیت ایران از ابرهای کدر صاف گردید، و ایشان بمقام منبع صدارت رسید، مجدداً زحمت وزارت مالیه را بر

خمة همة خود گرفتند محمدافه ابن طلمس شکسته شده و ابن اساس که شالوده قسای سلطنت میباشد قائم گردید

اصلاح بودجه ایران با اصول علمی اعتبار دولت را در بازار صرافان جمیع دول یک برسد افزود، تصایح بودجه سد ابواب قرض را از خارجه کرد، و - ملو مصارف بیچارا گرفت، حیف و مبلی که در هر اداره می شد رفع کرد، دولت را دارای قشون منظم ساخت، سلطنت را از هر جهت مستغنی کرده، سد اصدار فرامین بیجا نمود، بخشش های غیر متسامی را از دستگاه دولت مرتفع داشت، خوف و دهشتی که ملت از برسادت افساط فرسه روس داشت رفع گردید، اصلاح بودجه چرخهای مشروطیت را بمجرای خود بگردش آورد، و طمع مفت طواران را از دستگاه دولت منقطع داشت، ازین و بعد ملت با کمال اطمینان حتی خود را در راه دولت بدل خواهد نمود، چه یقین دارد حیف و مبلی می شود، صرف اصلاحات ملک و صدقات ملت می شود، اصلاح عالیه و تصحیح بودجه اعتبار دولت را نزد ملت زیاد نمود، ازین و بعد دولت را هر وقت و هر قدر ضرورت شود، از داخله میتواند استقرض نمود، عما قریب بشک ملی قائم خواهد شد و ملت و دولت دست خواهند زد با اصلاحات ضروری، در هر سه ده سال دخل ایران پنج برابر خواهد گردید، و اداره جات و وسعت پیدا خواهد کرد، و اصلاحات ملکی از قبیل راه آهن و کارخانجات لازمه کبابیهای تجارتی و عمایات در معادن و غیره دایر خواهد شد

مختصراً اصلاح و تصحیح بودجه اساس مشروطیت را مستحکم ساخت، و ابن خدمت نمایان را حضرت اشرف ناصر الملک وزیر عالیه ملت و دولت داده است و ضمناً نیز میتوان از خدمات لایقه اعضای کبیریون عالیه صرف نظر نموده بر فرد فرد ملت لایم است از جناب ناصر الملک و اعضای کبیریون عالیه ابدالدهر متشکر باشند

( اخبارات ایران و معاهده روس و انگلیس )

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که شورای ملی ایران در مقالات جرید ملی که در خصوص معاهده روس و انگلیس نوشته اند بحث نموده، اخبارات را عقیده این است که معاهده روس و انگلیس منافی

آزادی سلطنت ایران است، و خارجه را حق هیچگونه معاهده در امور ایران میباشد، مجلس شوری در این ماده خیلی سخت نموده، عاقبت قرار بر این داده اند که اگر ضرورت شود از نگارش این گونه مقالات جلو گیری خواهند نمود

( حبل المتین )

ابن تلگرافهم مثل تلگرافی است که وقایع نگار ( طلمس ) از طهران با اداره مربرور نموده که ( نقل معاهده روس و انگلیس که به پارلمان ایران رسید و خوبی بخشید ) و حال آنکه مات در کمال هیجان بود و اعضای شوری در کمال تنفر و مذمهای بی اعتنائی باین عهدنامه نگریسته جواب دادند که ( دولت روس و انگلیس برای خود معاهده نموده و میتوانند پای بند بر آن بشوند ولی دولت ایران بیک کلمه این معاهده پای بند نبوده و نخواهد بود، دولت ایران هر وقت صرفه خود را به هر قسم داند بدون آنکه اندا تصور کند که چنین معاهده هم شده است معمول خواهد داشت ) و مذمها درجه تکدر خودشان را ازین معاهده ظاهر داشته که دولت ایران در عوالم دوستی در حالت امروزی هرگز چنین توقع نداشت که همسایگان در ماده او اینگونه سلوک نمایند

مقصود این است که این تلگراف هم از همان قبیل است اخبارات ملی حسن ملت را زنده میکنند، و آنها را از عواقب امور خود مطلع می - رند، و قصد اجاب را در حق آنها ظاهر میدارند، و طریق رستگاری بآنها می نمایند، چگونه ممکن است که اعضای شوری از آنها جلوگیری نمایند، منتظریم که اخبارات ایران برسد تا صدق و کذب این تلگراف ظاهر گردد

حقیقه قضیه فاجعه

از مصر

قابل توجه آقای مشیرالدوله

( بر عکس هند نام زنگی کافور )

از آنجا که تمام کارهای ما برخلاف قواعد مدنیت و انصاف و صورت است و گویا خوی ما ایرانیها شده و باید به تدابیر حلی علاج شویم دادن و نوشتن کتاب در غیر محل است، بست فطرتان و خائنان را بموجب قاعده ذمیجه مروجیه باید با کمال ادب و احترام نام ببریم، و اگر از الذابشان چیزی کمتر نویسیم یا بگویم

مواخذ و معاقب مل واجب القتل و الحرق هستیم ،  
سنجیده هرکس و ناکس را حضرت اشرف و جناب  
اجل یا طالبه و سعادتآب می نویسیم ، و میگویم  
قربانت شوم ، و فدایت کردم ، را به مرمان بست باید  
نگاشت محترمین را تصدق خاکپای سارکت باید مرض  
نمود ، خطابی بجهت مردمان اشرف و انسانیت حز از  
(سبحانک رب الاعلی) باقی نمانده ، خدا یا تا کی و تا چند  
بدین جهالت ماقی خواهیم بود ، وحوش افریقا با مدینه  
تمدن گذاشتند بیابان گرد ها آدم شدند قدیمترین  
متمدنان عالم تا کی بجهالت ماقی و (مغرب الدوله) را  
( ارفع الدوله ) ( مذل الامه ) را ( ققاء السلطنه )  
خواهند خوانند ،

شمة از حالات ( مغرب الدوله ) و اصطلاح ما  
بخردان ( ارفع الدوله ) را در حربه جبالالتین دیدم  
اگر معلومات خویش را درباره ( برس صالح ) یا  
( رئیس ظلم ) بکارم هفتاد دفتر شود ، همبندری یکی از  
فضایح احوال او را عرضه داشته ماقی را بقم حضرت  
مؤیدالاسلام و امبگذارم و آن دادن مأموریت جنرال  
قواسلگری و عهده معتمد سیاسی دولت عالیته ایران  
را در دروازه اره با یعنی قاهره مصر که همسران  
جول لارد کرامر و سار جنرال قواسلهای  
مول متمده هستند ، برس دانش با اصطلاح ما ایرانیان  
یا عموم شرقیسان ( غیر از حایان ) خود ساقی رسیده  
کساف گرسنه خویش را نیز باید سیر کند ، برادر  
خود ( علی اصغر کهنه فروش تبریزی را ) نام میرزا  
علی اصغر خان و ملقب به ققاء السلطنه عهده جنرال  
قواسلگری و معتمد سیاسی مصر داده است ، این  
بجاره در زمان سفارت برس دانش در پطرس بودغ  
بدون سابقه خدمتی مأموریت کنجه و ناداکوه ، یافته ،  
و در هر حا حز از توهین و طرد از مات جزای  
نیافته ، پس از رسیدن برس صالح سفارت کبری  
بققاء السلطنه مأموریت از میرا یافته ، ار آنجا نیز قسمتش  
توهین و طرد شد ، برس دانش بجهت ایسهمه دعایت  
و درایت برادر خویش را مساعقی جنرال قواسلگری  
مصر دانسته این فاضل نادان فارسی که زبان مات  
ابری است و فرانسه که انسان رسمی سیمی است و  
ترکی عثمانی که مرسوم دربار حدیبوی است ، و عربی که  
بیان احوال بلد است در نداشتن صاحب نالیفات پشمار  
است ، همین قدر زبان عامی آذربایجانی ( جوخ یاخچی )

را با کمال فصاحت تکلم میکنند رسم سیاست و اسایت  
و تکلم و مجلس شینی و لباس پونی و غذا خوری  
او در مجالس رسمی . . . . را به آهنگری و  
داشتن است ، روزی در مجمع تجار و اعیان ابراسان  
با آن حلقه سفید و بنجه جرکین و کلاه کج و موی  
بریشان و گردن کشیده و سینه بین از سکوت عاجز  
و در افشانی فرمود ، یکی از اعظم تجار را مخاطب  
و عین - ژال و جواب را عیناً عرضه میدارم

بققاء السلطنه آقا - ایله شاهجه میکی  
( تاجر ) به تجارت عالی مشغولم

بققاء السلطنه - ار که می آوری - تاجر - از شبراق  
بققاء السلطنه - از راه باطوم می آوری  
تاجر - خیر از راه بوشهر

بققاء السلطنه - ایله چرا از راه باطوم نمی آوری

تاجر - هرگاه از راه باطوم بیآوریم تقریباً شش ماه  
در راه خواهد بود ، و قدر قیمت طال خرج بر میدارد  
و از راه بوشهر یکماه میرسد و چندین مصرفی بر میدارد  
بققاء السلطنه - ها ها ها

این مدارک نماینده دولت ایران و مروج تجارت و  
حافظ حقوق و شرف مات است ، با اینهمه اوصاف  
حمیده سکه زر را خوب ساخته عاشق بلدانی در حب  
زر است ، و هر بچاره ایرانی را کاری در قواسوله  
خانه افتد خانه ش حراب و زدگاپش بر باد میرود ، و  
هر ملک زده که مرد ، ارامل و ایامش از حقوق شرعی  
محروم ، و این بیروت ، ارث میشود ، تاکنون هر قدر  
شکایت بصدارت عظمی و وزارت حلیه خارجه شده  
عین هرایض را نزد حضرت اشرف فرستاده اند ، او  
نیز عناسبت مهر برادری نزد ققاء السلطنه میفرستد ،  
و این بی اوصاف در صدد تلافی و اذیت بر آمده ،  
چنانکه چند ماه قبل حاج سید علی اکبر تاجر اصفهانی  
پس از ۳۵ سال اقامت در مصر و تحصیل آبرو و  
شرف رحمت بزدی بیوست برادر خویش جناب حاج  
سید حمزه تاجر اصفهانی را که قریب بیست سال است  
در یکجاده باهم ریست و در یک محل به تجارت مشغول  
بودند و آل و وصی عموده بشهادت جمعی از محترمین  
و قریب یکسال قبل از وفات آن مرحوم در دفتر  
جنرال قواسلگری ترتیب شده ققاء السلطنه بنای تمدنی  
واجباف را گذاشت ، جمعی از تجار و محترمین بواسطت  
برخواستند در جواب گفت ایله من تشنه نیستم حضرت  
اشرف مرفوم داشته که شنیده ام ، حاج میرزا علی اکبر

تاجر اصفهانی وقت کرده ، و مبای کلی از او مخاف  
 طنده مارا از این مد کلامی است ) برادر و وصی آن  
 مرحوم مساومت و تحمل این نمدی را نمی نمود ،  
 بقاء السلطنه نام دقار و سندات آن مرحوم را ضبط  
 و رافض و صایت وصی شخص نصرانی از حواشی خویش  
 و اقم برزکه سفارارده و بواسطه محکمه مختاطه اروپای  
 اموال و املاک مرحوم را محجر و تصرف نمود ، ملت  
 برایه با این اداره ، شروطیت و با وجود مجلس مقدس  
 شورای ملی تاب این ظلم سحاک را نیاورده دو تنگراف  
 قشکی بمجلس مقدس شورای ملی و وزارت جلیله  
 خارجه نموده هر دو جواب مابد بقاء السلطنه رأساً  
 یا بواسطه برس صالح خبر دار و در صدد انتقام از  
 عارضین برآمد چند روز قبل محمد نایب متشی خویش  
 را با یک نفر فرانس و چند نفر یابیس و یک صاحب  
 منصب به گرفتاری جناب میرزا مهدیخان زعم الدوله  
 رئیس الحکما مدیر محترم حریده حکمت و حزب حاجی محمد  
 صادق تاجر زدی که ۲۷ سال زحمت کشیده و در میان  
 خودی و بیگانه اعتباری تحصیل کرده مر نموده صبح  
 را بخانه جناب زعم الدوله هجوم کرده آن پیر مرد  
 محترم را با هر حالی که بود گرفتار و با کمال خفت  
 بدون تحقیق بمجلس قاتلان و دردان سپردند

هان روز طهر در بازار جناب حاجی محمد صادق  
 را نیز بهان و تیر گرفتار و محذب زعم الدوله رسانیدند  
 پس ارا انتشار این خبر جمعی زعمترین حبه شفقت  
 به قونسول خانه رفته آن جبار پس از مذاکرات  
 عجز و لایه زیاد یک نفر را خواسته و گفت اگر زبان  
 شفاعت را بکشیند ما تفویض از حکومت خانه عسکر  
 خواسته تمامی شها را با کمال خواری به آنها مباحق  
 میکنم ، از آنجا مأیوس و شرح حال را تنگترافاً محصور  
 حضرت منجاً الامام حجة الامام آقای آقا سید عبدالله  
 مد ظله العالی و رئیس مجلس مقدس شورای ملی و  
 وزارت جلیله خارجه و مدیر حریده فریده حبیل المتین  
 عرضه داشتند چون از جواب مأیوس و بقاء السلطنه را  
 مصمم برقی بن - و مظلوم را تحت الحفظ به اسلامبول  
 په برد که بر حضرت موبد الاسلام هویدا است چه  
 خواهد شد و نیز در صدد گرفتاری سایر دادخواهان  
 است مجبوراً به جنرال قونسول و معتمد سیاسی دولت  
 سیه انگلیس پناه بردند آن مرد داد خواه فوراً با  
 ناظر وزیر خارجه حکومت مصریه گفتگو نموده  
 حکومت محلیه را از امداد جنرال قونسول ایران باز

داشته ، و ابرائیل را مطمن به خلاصی محبوسین  
 نموده روز بعد را در وزارت خارجه مجلس به ریاست  
 ناظر خارجه و حضور جناب مستنصر السلطنه جنرال  
 قونسول سابق منعقد بقاء السلطنه و آن دو مظلوم را  
 نیز حاضر و بدینگونه تحقیق شد عین سؤال و جواب  
 را عرضه میدارد

زعم الدوله جناب وزیر خارجه از بقاء السلطنه  
 سؤال نمایند آیا کتبی یا بواسطه فرانس مارا خواست و  
 حاضر نشدیم  
 بقاء السلطنه خیر  
 زعم الدوله پس بجه قانون حکومت عین سرباز  
 خواسته و مارا تحت الفظ مجلس سپرد  
 بقاء السلطنه سکوت

زعم الدوله جناب وزیر خارجه رسم تمامی فوسلما  
 بر این است مهم را در زمان تحقیق به قونسول خانه نگاه  
 داشته یا در در الحکومه سپرده ، پس از اثبات گناه و  
 حکم سزا بازندان میفرستند آیا جنرال قونسول ایران  
 تحقیق گناه مارا کرده و مارا به حبس معتم سپرد و  
 چاقی و بیگار و خوراک معمول را منع و جز از غذای  
 دردن و قاتلان را بر مارا داشت

بها السلطنه سر را به در بدخه در جواب گفت  
 کفنی دور امضا تهریه ملی در و نوشته بود بمن  
 رسید و من بدین دو سر رفت

و بر خارجه از این سر را به سینه طهار  
 ناسف کرده دلجویی نمودن نموده بمسافحه  
 و صالح را با به واسطه خبر نگار شد  
 این بود خانه تنه و شرفه و سایر امور ایران  
 در خارجه نمیدانم تا چند بر حال خود و رون  
 خواهیم بود اللهم عن البلا رحمة رب العالمین  
 ( در خواست مصر )

حبل المتین

مثل معروف است ما نرجح انیس ایف افرخا  
 بینه ، از برادر زعم الدوله ایران فروش ایک عالم  
 ردائل صفت که یک دنیا بر آن شهادت میدهد جز  
 اینگونه حرکات ناشایسته توقع نمیتوان داشت ، هر کس  
 روزنامه شریفه لاهرام والمؤید وغیره را بدقت ملاحظه  
 نماید بخوبی ملتفت خواهد شد که معتمد سیاسی ایران در  
 مرکزی مانند مصر چه کارها بار آورده ، آیا نوبین  
 بالاتر از این برای دولت متصور می شود که نماینده  
 سیاسی انگلیس و وزارت خارجه مصر سلب قدرت را



معتقد سیاسی ایران به نمایندگی آخر چه باعث است که يك طبقه بزرگ شرقاً ایران که در ممالک عثمانی قرنهایست کسب شرافت نموده زبردست ارفع لدوله رذیل و بسته گان فرمایند و خوار و زبون باشند و بر عرض و ناموس و مال و جان آنها ابقانه نمایند و وزیر خارجه و وکلای محترم علی هم ابد این همه واقعات مآله ملک عثمانی توجه فرمایند، اصراف باید که آیا این واقعات غیر مترقبه که در ایام سفارت ارفع لدوله در خاک عثمانی وقوع پیوسته در هیچ دوره و سفارت هیچ سفیر ایران واقع شده بود، بلی ارفع لدوله خائن مأمور با کفایتی مانند مستنصر الساطنه را محض اینکه او امر خائنه او را نمکین می نمود خلع کرده و برادر خود که فروشنده نام و ناموس ملت است بدین مقام منیع گذارد که چنین سنگی را بار آورد که قرنهای بر روی دولت باقی خواهد ماند، سلب قدرت از نماینده خارجه يك دولت از حبس او بالاتر است، نف بر این دانش و این صاحب خواهی باد تعجب درین است که وزیر امور خارجه چرا تا کلون شرا رفع لدوله و متعاقب او را از سر ایرانیان فلک زده که از ناچاری مهاجرت بممالک اجنبیه نموده کوناه می نمایند گبرم يك صد هزار رعایای ایران که در خاک عثمانی اند و صدایشان از تعذبات ارفع لدوله و متعاقب او بیوق میرسد سک حارشان گزیده و بی سبب ناله و این دارند، ولی هیچ شک و ریب برای احدی باقی نمانده که رعایای ایران در خاک عثمانی از ارفع لدوله و بستگان او کمال همت را بحق دارند و احدی هم انکار ننواید نمود که مأموریت ارفع لدوله و بستگان او از برکت خاک قدوم همین رعایا و مأموریت وی برای حفاظت و حراست آنهاست بعد از آنکه ملت از او ناراض باشد چه ضرورت است که این مأمور و با برقرار دارند تا هر روز يك گونه بدنامی برای ملت و دولت فراهم آورد، اگر رجال دولت تصور میکنند که بقای مأموریت ارفع لدوله بی تصفیه عمل سرحدی مفید است بخدا قسم سهو رده اند، چه ملت جمیع پیچیده گی های ما! عثمانی این مرد است، امروز نماینده ایران حکم جاسوس عثمانی را پیدا کرده، خوب است پیش ازین بذات ملت و تنگ دولت رضا ندهند، و این حوار را از سر راه مسلمانان مرتفع دارند و رعایای خود را در خاک عثمانی آسوده نمایند

جناب زعيم الدوله شما خود واقف و عالمید که همواره اهل فضل و دانش محسود جهان قوم بوده و همواره در برابر هر موسی فرعونی بر انگیخته شده

قاه السلطنه نقطه مقابل جنابعالی واقع گردید بحسب دانش که نفو باد بر این دانشش چون دستش بسایر ارباب جراند فارسی که برده از روی حرکات زشت او برداشته اند میرسد جنابعالی را مال المصلحه قرار دهد، دو حقیقت خواست ضرب دست و تمام ارباب جراند فارسی به باید وصله خدمات بازده ساله شما را در خدمت به معارف اسلامی بدهد، ولی غافل ازین لکه تاریخی است که مزید بر تنگهای دیگر او گردید، و يك برسد بر احترامات فوق العاده جنابعالی افزود حکما و ارباب معارف را غل و زنجیر زینت و محبس حجه گاه است چه حقیقت جهان و دشمنان آنها از همین حرکات ظاهر شده و اشاعه معرفت و عدالت در عالم تمدن از روزنه های محبس آنها بیرون ناپسیده (لیس ماول قاروره کسرت فی الاسلام) امثال جنابعالی هم از حکما و فضلا از دست جهان هماره چنین سلوک نموده اند

جناب زعيم الدوله ادا رنجیده خواطر نباشید که ارفع لدوله و برادرش چنین توهینی را در حق جنابعالی روا داشته اند در حقیقت این توهین را در حق ما روا داشته، این توهین را در حق جمیع ارباب معارف ایران جائز شمرده عداوت خود را با مشروطیت سلطنت ظاهر کرده مخامت خویش را با بحاس مقدس ابراز داده عنقریب است که به سزای خود برسند چه آفتاب معذات بالا گرفته، بوستان مشروطیت سبز و حرم شده این لکه ابرهای کدر و این قطعه های تاریک سیاه جلو تابش او را نتوانند گرفت، حاک بر آن دانش که بعد از این در ملک و ملت ایران در خارج و داخل امید عود استبداد داشته باشد این آرزو را مانند دیگران باید بگوربرد

جناب زعيم الاوله ما از جانب جمیع ملت ایرانیه شما را تسلیت میدهم و همدردی خودمان را تقدیم خدمت عالی می نمایم و نیز شما را تبریک میگویم که بواسطه صدمه که بآن فاضل ادیب و شیخ محترم وارد شده رفع ظلمهای بزرگ ازین و بعد از ایرانیان مصر و خاک عثمانی خواهد گردید، و شما را بشارت میدهم که دشمنان شما که دشمنان معارف، دشمنان مشروطیت، دشمنان عدالت اند عنقریب بسزای خود خواهند رسید، و اطمینان میدهم بخنایبالی که برادران وطنی شما خصوصاً ارباب جراند ایران قصاص شما را از دشمنان شما خواهند گرفت